



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
پنج‌شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ - ۱۷ ذی‌القعدة ۱۴۴۶
سال بیست‌وهفتم - شماره ۷۳۰۵ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان



حمله کن به ترامپ فریبکار و تانناهووی جنایتکار

جشنواره فیلم کن صحنه حمله رابرث دنیرو به سیاست‌های تعرفه‌ای ترامپ و حمله ژولیت بیتوش به اسرائیل به خاطر کشتار فاطمه حسونه و ۱۰ نفر از اعضای خانواده‌اش در حمله موشکی شد | **صفحه ۱۶**

یادداشت سیاسی

سیدعبدالله متولیان

میراث مرجعیت در مواجهه با استعمار نوین

در شرایطی که استکبار جهانی سعی دارد با فشارهای اقتصادی و تحریم‌ها، ملت ایران را به زانو درآورد، مرجعیت شیعه باید بار دیگر نقش تاریخی خود را ایفا کند. همان‌گونه که میرزای شیرازی از سامرا فتوایی صادر کرد که تهران را به لرزه درآورد، امروز نیز حوزه‌های علمیه می‌توانند با اتکا بر نفوذ مردمی و تحلیل دقیق شرایط، در برابر استعمار نوین وارد میدان شده و پرچمدار مقاومت در برابر نظام سلطه و استعمار نوین باشند | **صفحه ۲**

یادداشت اقتصادی

وحید عظیم‌نیا | دبیر گروه اقتصادی

خط قرمز واردات

در دفاع از تولید داخلی، نباید به ورطه ساده‌انگاری افتاد. ممنوعیت واردات کالاهای دارای مشابه داخلی، به‌هیچ‌وجه به معنای حمایت بی‌قید و شرط یا رانتهی از هر تولیدکننده‌ای نیست. رهبر حکیم انقلاب نیز هیچ‌گاه مدافع انحصار، بی‌کیفیتی یا سوءاستفاده از حمایت نبوده‌اند. آنچه ایشان بر آن تأکید کرده‌اند، حمایت هدایت‌شده و مسئولانه است؛ حمایتی که تولیدکننده را به سوی رشد کیفی، رقابت‌پذیری، نوسازی، صادرات‌محوری و بهره‌وری بیشتر سوق دهد | **صفحه ۴**

یادداشت بین‌الملل

هادی محمدی

چپاول اموال اعراب با سراب وعده‌های فریبکارانه

هدایای چند تریلونی ریاض، دوحه و امارات تحت عنوان سرمایه‌گذاری در اقتصاد و تکنولوژی‌های پیشرفته، همان چیزی است که کیسینجر در سال‌های پایانی عمر در یادداشتی اهانت‌آمیز، ثروت‌های این کشورها را الزام‌آور خدمت و مدیریت امریکا تعریف کرد | **صفحه ۱۵**

یادداشت ورزشی

فریدون حسن | دبیر گروه ورزشی

برای امیدها برنامہ‌ریزی نکنید!

واقعیت این است که اصلاً تفاوتی نمی‌کند چه کسی یا چه تشکیلاتی برای تیم امید برنامه‌ریزی کند. اساس کار چنان خراب است که از اول می‌توان انتظار شکست را داشت. امروز هم اوضاع همین است. امیدهای ایران هیچ شانس‌ی برای المپیک‌ی شدن ندارند. حالا می‌خواهد وزیر ورزش این درخواست را یک طلب معمولی عنوان کند یا نایب رئیس فوتبال وعده ۱۰ روز آینده را بدهد. با این روند حسرت المپیک‌ی شدن فوتبال ۵۵ساله خواهد شد و اتفاقاً به هیچ کدام از این آقایان هم برنخواهد خورد | **صفحه ۱۳**

رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره ملی شهدای امدادگر:

باید نشان دهیم که قهرمان و تاریخ داریم

با وجود جوانان با همت و پراکنگیزه هیچ کارنشدنی در کشور وجود ندارد

استقبال نجف از مفسر کبیر

آیت‌الله جوادی آملی در جمع عظیم علما و طلاب حوزه نجف: علم، عقل و تهذیب، سه گانه نجات‌بخش حوزه و دانشگاه است

صفحه ۲

■ امدادگران در زیر باران گلوله، تنها به فکر نجات دیگران بودند نه حفظ خود و روحیه شگفت‌انگیز ایشان در آنان به حدی بود که گاهی حتی به اسیران مجروح دشمن نیز کمک می‌کردند که این رفتار، نقطه مقابل دنیای بیگانه از انسانیت است. در حالی که برخی کشورهای فاقد تاریخ و قهرمان، قهرمانان ساختگی خود را با تبلیغات فراوان معرفی می‌کنند، ما باید قهرمانان واقعی خود را معرفی و به فرهنگ عمومی تبدیل کنیم تا معلوم شود امداد و کمک، وظیفه‌ای اسلامی و انسانی است و باید به صورت مستمر، در همه نسل‌ها تداوم یابد | **صفحه ۲**



حمله سردسته مافیای جهان به ایران

■ ترامپ در عربستان حسابی جوزه بود. چرا نباشد؟ صدها میلیارد دلار به‌اضافه ۱۰ میلیون دلار به جیب زدا! این ۱۰ میلیون دلار را قبلاً برای سر جولانی جایزه گذاشته بود که حالا او با پای خودش به پیش او آمده بود! ترامپ قبلاً گفته بود که داعش را اوباما و هیلاری فاسد اختراع کردند. جولانی هم گفته بود سران عرب برای حفظ تخت‌پادشاهی به امریکا جزیه می‌دهند. حالا همین داعشی در خانه یکی از همین سران عرب با آن کس که برای سرش جایزه گذاشته بود، گرد هم آمدند و ترامپ سرخوش از این دیدار به مسائل آب و خاک و فروتنست و کمبود برق در ایران پرداخت! ملغمه‌ای باب طبع لندن‌ها و محصول مشاوره ایرانی‌های فاسدی که به او مشاوره می‌دهند. این است سازوکار مافیای جهان! | **صفحه ۱۵**



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا در حالی به‌طور مکرر از تمایل خود برای مذاکره با ایران و دستیابی به توافق سخن می‌گوید که هم‌زمان از هر تریبونی برای طرح اتهامات علیه تهران بهره می‌برد. او در تازه‌ترین موضع‌گیری خود، طی سفر به کشورهای عرب خلیج فارس بار دیگر لحن خصمانه‌اش را تکرار و اظهاراتش تنش‌آمیز علیه ایران مطرح کرده است. سیدعباس عراقچی در واکنش به اظهارات ترامپ تأکید کرد که سیاست فشار حداکثری واشینگتن پیش‌تر شکست خورده و تکرار آن راه به جایی نخواهد برد

ممنوعیت واردات کالای مشابه داخل یک تجربه موفق جهانی است



به شناخت بهتر نیازهای بازار، افزایش عمق ساخت داخل، ارتقای فناوری و بهبود رقابت‌پذیری منجر شوند. در سیاست‌گذاری صنعتی، همیشه باید یک سید ابزار در اختیار سیاستگذار باشد. هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند فقط یک ابزار کافی است. نباید تصور کنیم که تنها با مشوق‌ها و تعرفه می‌توان از تولید حمایت کرد. گاهی شرایط بازار، رقابت‌ناپذیر یا تهدید واردات ایجاب می‌کند ابزار ممنوعیت هم وارد عمل شود | **صفحه ۴**

■ ابراهیم شیخ، معاون صنایع عمومی وزارت صمت در گفت‌وگو با «جوان»: استفاده از ممنوعیت، در کنار تعرفه‌گذاری و مشوق‌ها، به‌عنوان یک سیاست مکمل عمل می‌کند. ممنوعیت، اگر در زمان و شرایط مناسب اعمال شود، می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی در ارتقای سطح تولید، فناوری و بازار داشته باشد. رهبر معظم انقلاب هم بر استفاده هوشمندانه از ابزار ممنوعیت تأکید کرده‌اند. این یک نگاه علمی، مبتنی بر تجربه جهانی و متکی بر

برق دزدی در تاریکی قانون

برداشت‌های پنهان و بی‌حساب از شبکه برق است. موضوعی که بی‌تردید، مقابله با آن نیازمند عزمی ملی خواهد بود. دولت، وزارت نیرو و نهادهای نظارتی اکنون در یک دوراهی جدی قرار دارند: برخورد قاطع یا تسهیل مسیر قانونی؟ | **صفحه ۱۲**

است. دزدی برق، دیگر صرفاً یک مسئله حاشیه‌ای در مناطق کم‌برخوردار نیست، بلکه به یکی از جدی‌ترین تهدیدهای پایداری شبکه بدل شده است. وزارت نیرو هشدار داده است که امسال محدودیت‌های برقی زودتر از همیشه آغاز می‌شود؛ یکی از دلایل اصلی آن، همین

غیرمجاز، در شرایطی که افزایش دمای بی‌سابقه هوا زنگ هشدار را برای مصرف برق در کشور به صدا درآورده و کاهش ۴۰ درصدی ذخایر آبی سدها توان تولید برق‌ای را به شدت کاهش داده، این رقم غیرمجاز بیش از همیشه در کانون توجه قرار گرفته

■ دکتر غلامرضا امیرخانی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی:

شاهکارهای ادبیات پارسی با واژه‌های زیبای عربی در آمیخته‌اند

■ دکتر عیسی کاکویی، رئیس هیئت‌مدیره مؤسسه تبیین آفاق یویا:

قصه‌ها و لالایی‌های مادرانه اولین سنگر زبان فارسی است

■ مجید رحمتی، شاعر و استاد ادبیات:

خداشه به زبان فارسی

ما را از ریشه‌های مان جدا می‌کند



کاشانه

بررسی چالش‌های صیانت از زبان مادری به انگیزه ۲۵ اردیبهشت، روز پاسداشت زبان فارسی

آیای بی‌خیال زبان فارسی شده‌ایم؟

● محبوبه قربانی - نیره‌ساری | خبرنگارهای گروه سبک‌زدگی صفحات ۱۰ و ۹، ۸، ۷

۲

موافقت مشروط

مجمع تشخیص با پارلمو

■ مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از برگزاری سه جلسه در صحن مجمع و پنج جلسه در کمیسیون مشترک با الحاق ایران به کنوانسیون پارلمو به صورت مشروط موافقت کرد. پیش از این شورایی نگهبان نیز این لایحه را تأیید کرده بود. جمهوری اسلامی ایران این کنوانسیون را در چارچوب قوانین اساسی و قوانین داخلی خود پذیرفته است. رسیدگی به CFT در جلسات آتی در دستور کار مجمع است

۳

این مصوبه آموزش را خواب‌آلود کرد!

● مهسا گریبندی | خبرنگار گروه اجتماعی

■ ساعت ۴:۳۰ صبح، زنگ‌های هشدار ساعت‌ها و گوشی‌های تلفن همراه، یکی پس از دیگری به صدا درمی‌آید. کمی بعد، کودکان نیمه‌خواب، با چشمانی سنگین از کمپود خواب، راهی مدرسه می‌شوند. خیابان‌ها پر از دانش‌آموزانی است که بی‌برق و خواب‌آلود به سمت کلاس‌های درس می‌روند. در حالی که هنوز ذهن‌شان آماده یادگیری نشده و بی‌حوصله‌تر از همیشه هستند

۱۴

پلیس جیب‌برهای

پایتخت را به خط کرد

■ ۲۵ نفر از جیب‌برهای تهران که با پرسه در اتوبوس‌های تندرو با م트로 گوشی تلفن همراه مسافران را سرقت می‌کردند، بازداشت شدند



برای ایران بخوانیم

به فارسی وفادار بمانیم

■ باد ملایمی در هوای نیمه‌گرم اردیبهشت می‌وزد و بوی کاغذ نو، مرکب تازه و شور کتاب‌دوستی، فضای مصلای امام خمینی (ره) را پر کرده است. نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، امسال هم به عادی ۳۶ساله، میزبان هزاران مشتاق کلمه است؛ از ناشران کوچک تا کتاب‌دوستانی که ساعت‌ها در صف می‌مانند تا یک نسخه نایاب را به خانه ببرند. قدم که به مصلای تهران می‌گذارید، اولین چیزی که به چشم می‌آید، هجوم واژه‌هاست. شعار امسال «بخوانیم برای ایران»، همه‌جا خودنمایی می‌کند، بر سر در ورودی نمایشگاه، روی جلد دفتر چم‌ها و حتی در جملات پراکنده بازدیدکنندگان، اما در این میان، سؤالی ذهن‌مان را درگیر می‌کند: اگر برای ایران می‌خوانیم، آیا به زبان فارسی می‌خوانیم؟ | **صفحه ۱۰**

بررسی چالش‌های صیانت از زبان مادری به انگیزه ۲۵ اردیبهشت، روز پاسداشت زبان فارسی

آیا بی‌خیال زبان فارسی شده‌ایم؟!

روز به روز پابیندی‌مان به شعار «پارسی را پاس بداریم» کمتر می‌شود



نگاه

مرفیه بامیری

هر کشوری زبان معیار خودش را دارد. یک قاعده زبانی که تمام دستگاه‌ها و سازمان‌ها یکپارچه به کار ببرند و ضمن احترام به فرهنگ زبان، قانونمند و منظم باشد. جایی به نام فرهنگستان زبان مرجع انتخاب و تولید کلمات فارسی است. واژه‌های بیگانه را بدستی‌شناسایی و درصدد انتخاب زیاده‌کری برمی‌آید. هزینه و زمان زیادی صرف این انتخاب‌ها می‌شود و قرار است آینده زبانی کشور را مورد حمایت قرار دهد. ولی از این فرهنگستان به‌عنوان مرجع به‌خوبی نتوانسته است زبان فارسی را پاس بدارد و آن را بیش از قبل احیا کند و روز در محاوره‌های روزانه کلمات غیر فارسی مرسوم دنیا را ردیف می‌کنند؟ آنهایی که آنقدر اختلاف‌شان با زبان مادری زیاده‌کری برای کهنه‌بین حرف‌شان باید از موتور جست‌وجو کمک گرفت؟ به نظر می‌رسد این مرجع مهم زبانی لازم است فکر تاراج زبان ملی باشد تا صرف هزینه برای یافتن واژه‌های جایگزین مشکل زبان معیار، چند واژه خاص نیست که برایش جایگزین پیدا کنند. مشکل ادبیات به نظر نمی‌رسد به کارگیری اسم غایب پر طرفدار ایتالیایی به نام پیتزا باشد، چرا که اسم خاص بوده و متعلق به یک فرهنگ دیگر است. وقتی خود پیتزا یک واژه غیر فارسی است چرا باید برایش مشکل اشتغال حل می‌شود؟ یا کدام ایرانی حتی او که شیفته زبان فارسی است، از فرزندش می‌خواهد به‌جای برداشتن بستنی از فریزر، از آن‌را زن بزرگ دارد؟ یا بایرهای انسانی همان فرهنگستان به‌جای فلاسک می‌گویند دماپان؟!

واژه‌هایی که مانوس و دلنشین بوده، جامعه نسبت به به کارگیری آنها اهتمام ورزیده‌اند؛ فرهنگ استفاده از یارانه به‌جای سوبسید یا بند به‌جای پاراگراف و پویانمای به‌جای انیمیشن و وزیر گره به‌جای اتوبان به‌راحتی نتوانسته است جای خود را در دل مردم باز کند. نسل جدید مدام با جهان در ارتباط است و هر نقطه از کشور که باشد، به تمام زبان‌های دنیا دسترسی دارد. نسل جدید دنبال هویت می‌گردد و اگر فرهنگ ملی نتواند آن را تأمین کند، زود به ادبیات غیر فارسی متوسل می‌شود. واژه‌ها به‌سرعت پخش می‌شوند و خیلی زود تکیه کلام همه می‌شود. پس دنیا و نسل امروز منتظر کشفیات مرجع زبانی نمی‌ماند خودش به سلیقه خودش جایگزین می‌کند. واژه‌های مصوب فرهنگستان کجا اعمال می‌شود؟ در کدام نامه یا کدام سازمان؟ کدام نهاد خود را موظف کرده است مکاتباتش کلاما فارسی باشد؟ کدام رئیس یا مدیر خارج از عرف موجود، نامه می‌نویسد و جملاتش را شروع یا تمام

به جای فارسی کردن پیتزا به زبان خودمان را نجات دهیم!

می‌کنند؟ کدام جشنواره ادبی - هنری داخلی بایدبند به‌اصول زبان فارسی در مسابقات است و جزو اولویت‌های انتخاب اثر محسوب می‌شود؟ چند نویسنده خود را موظف می‌دانند واژه فارسی به کار بگیرند و به‌خودشان رحمت مطالعه فرهنگ لغت بدهند؟ چند کارمند برای ابداع شیوه‌های جدید نامه‌نگاری و مکاتبات سازمانی مورد تشویق قرار می‌گیرند؟ اصولاً مصوبات فرهنگستان زبان فارسی برای چه نیادهایی ارسال و از سوی کدام مرجع نظارتی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؟ به نظر می‌رسد واژه‌هایی را که بازندگی اجتماعی عجین شده است نمی‌شود به‌راحتی آن را بیرون راند. فقط می‌شود با حفظ و تأکید بر جذابیت زبان فارسی حضورشان را کمرنگ کرد. سازمان صواب‌سیما برنامه‌ای به نام زبان معیار پایه‌گذاری کرده که هر هفته در اخبار بیست و سسی به اشتباهات رایج مسئولان دولتی و حکومتی در استفاده از واژه‌های بیگانه می‌پردازد. انگشت اتهام را سمت آنهایی می‌گیرد که به زبان شیرین فارسی کم‌لطفی می‌کنند و واژه جایگزین غیربومی را ترجیح می‌دهند. ولی فارسی معیار چیست؟ به‌طور کلی به شیوه نگارش و گویش زبان فارسی در رسانه‌های عمومی مانند تلویزیون، رادیو، نشریات و سخنرانی‌های رسمی در مجامع عمومی اطلاق می‌شود. زبان معیار، از نظر «هارج» به آن گونه زبانی نسبت داده می‌شود که دارای چند ویژگی باشد: - یک گروه معتبر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تحصیلی آن را به کار برند. - دارای ادبیات تاریخی و نویسندگان بزرگ باشد. - در یک منطقه مرکزی جغرافیایی روح داشته باشد. و همچنین دارای سهولت گویش باشد.

ولی چرا عدم‌ای واژه‌های جایگزین فرهنگستان را به تمسخر می‌گیرند یا استفاده از واژه‌های غیر فارسی نوعی کلاس و شخص محسوب می‌شود؟ طرح این سؤال بسیار جدی است و نیاز به واکاوی ادبی و جامعه‌شناسی دقیق دارد. شاید برخی واژه‌های انگلیسی راحت‌تر و کوتاه‌ترند و همین می‌شود دلیل انتخاب به‌تر مخاطب. به عنوان مثال تاب‌رود بگوید پرندان می‌گوید پوشه تجربه و تحقیقات بسیار، حاکی از آن است که مردم جامعه اگر واژه مصوب را مناسب با فرهنگ بومی دانسته یا نتوانند آن ارتباط برقرار کنند نسبت به جایگزینی آن در کلام مقاومت ندارند که هیچ، بلکه از آنها استقبال هم می‌کنند. مانند فروشگاه یا فرودگاه که به آسانی جایگزین واژه‌های بیگانه شده و در فرهنگ ادبی این کشور نهادینه شدند. شاید علت دیگر استفاده از واژه‌های غیر فارسی خاستگاه اصلی آنهاست. چرا باید برای هر واژه‌ای دنبال اسم فارسی گشت؟ چرا باید ماکارانی را که با فرهنگ کلامی مردم عجین شده است تبدیل به خمیرک کرد؟ آیا کسی حاضر است آن را در مغازه از فروشنده درخواست کند؟ ماکارانی متعلق به کشور دیگری است همان‌طور که آنگوشت یا کله‌پاچه متعلق به ایرانی‌هاست. آیا باید برای آنگوشت جایگزین لاتین پیدا کنند؟ وقتی ماشین اختراع خارجی‌ها بوده

خودمانی

نبره ساری

زبان فارسی، خانه‌ای است برای حرف‌هایی که نمی‌شود ساده گفت. زبانی است که بلند است احساس را بی‌واسطه به دل دیگران برساند. این زبان، گنجینه‌ای است که با آن نه فقط می‌توسیم یا صحبت می‌کنیم، بلکه زندگی را، عشق را، اندوه را و زیبایی را «بیان» می‌کنیم.

قدرت زبان در بیان احساسات پنهان: بعضی حرف‌ها را نمی‌شود فقط گفت، باید «حس» کرد. باید واژه‌ها پیدا کرد که اندازه اندوهت باشد، به بزرگی شادیت، به نرمی محبت. زبان فارسی، درست همین جاست که کارش را شروع می‌کند. وقتی دلت چیزی دارد اما نمی‌دانی چطور بگویی، فارسی با تمام شاعرانگی‌اش، با همه بار احساسی‌اش، آرام کنارت می‌شیند و می‌گوید: «بگذار من بگویم».

زبان فارسی، زبانی است که بلند است با دل حرف بزند. بلند است درد را آرام کند، عشق را فریاد بزند، غم را زمزمه کند، شادی را برقصاند. در زبان فارسی، برای هر لحظه‌ای از زندگی، واژه‌ای هست. برای هر احساسی، واژه‌های دس‌تور فارسی، زبان را نیز در ست به کار ببرد، چراکه بسیاری از اسب‌های ادبی از سوی نویسندگان و هنرمندان ناگاه متولد می‌شوند و در میان مردم مشروعت می‌یابند. گاهی در کتاب‌ها جملاتی غیر فارسی به چشم می‌خورد که به لحاظ دستوری پر از اشکال است، ولی کسی آن را جدی نمی‌گیرد و به‌راحتی آن کنارش رد می‌شود. اصطلاحاتی که روزی بیشتر وارد فرهنگ عامه می‌شود و هنرمندان به‌جای پر هیبز، با مردم همراهی می‌کنند و برای درک مخاطب خود دست به همان خطاهای می‌زنند. زبان فارسی بسیار غنی است، ولی شاید دلسوز کم دارد که داشت اینچنین مورد همه قرار نمی‌گرفت و بزرگی و اقتدارش در حد چند واژه جایگزین، خدش‌دار نمی‌شد. نیاز به آگاهی جمعی و یک تلاش ملی است تا اتفاقی مبارک در حوزه زبان رخ دهد. نویسندگان باید در انتخاب واژه‌ها وسواس به خرج دهند. ادارات و سازمان‌ها به زبان فارسی وفادار باشند و مهم‌تر از همه رسانه است که باید یار غار زبان باشد و مهر زبان فارسی را به دل بیندازد و در این زمینه فرهنگ‌سازی کند. وقتی کارشناسان برنامه و هنر مندان از واژه‌های انگلیسی استفاده می‌کنند یا وقتی یک سخنرانی پر از واژه‌های معادل بیگانه است، نمی‌توان توقع داشت دانش آموز نسل جدید، در اینترنت دنبال کلمات جایگزین فارسی باشد و به این ترتیب چرخه معیوب ادامه می‌یابد. امید است فرهنگ استفاده از زبان معیار که از سوی رسانه آغاز شده است شروع یک طرح نو باشد و تغییر‌ها از خود رسانه ملی آغاز شود. امید است مسئولان نامه‌های فارسی بنویسند و با یکسان‌سازی زبان نگارش در سطح فرهنگستان و آموزش‌وپرورش، جامعه از این دوگانه‌گی رها شود و به وحدت برسند. راستی! برای نگارش یک کتاب مان، سعی کردم واژه‌های فارسی به کار بندم و آخر کتاب تعدادی از معادل‌ها را معرفی کنم. ارزیاب ادبی کتاب زیر واژه‌ها خط‌قرمز کشید و گفت این واژه‌ها در ادبیات مرسوم نیستند. نمی‌شود به جای میکروفن بنویسی صدای!



پیوند ناگسستنی در خانه‌ها: این زبان تنها ابزاری برای انتقال اطلاعات نیست، بلکه یک پیوند زنده است، پلی است بین دل‌ها، میان نسل‌ها و در دل خانواده‌ها. وقتی به یاد حرف‌های گرم مادر در شب‌های سرد زمستان می‌افتیم، وقتی یاد قصه‌های پدر در کنار شمع می‌کنیم، می‌بینیم زبان فارسی چگونه در روح و روانمان ریشه دوانده است و در میان تک‌تک واژه‌هایش احساسات و عواطفی زندگی می‌کند که هیچ زبان دیگری قادر به بیان آنها نیست. آیا می‌توانیم آنقدر به زبان فارسی، برای هر بار که به حال فکر کرده‌اید که چرا همیشه وقتی می‌خواهیم از عمق دلمان چیزی بگوییم، زبان فارسی به راحتی به ما کمکمان می‌آید؟ از عشق گرفته تا نگرانی، از شادی تا غم، این زبان همیشه و در همه حال به ما این امکان را می‌دهد که دنیای درونمان را با دقت و وضوح بیان کنیم. وقتی می‌خواهیم به کسی بگوییم «دوست دارم» یا از دل نگرانی‌هایمان بگوییم، همین زبان فارسی است که مثل یک دوست صمیمی همیشه کنارمان است و اینجاست که زبان مادری، این گنجینه بال‌رزش، نه تنها در حفظ ارتباطات روزمره‌مان، بلکه در انتقال ارزش‌ها، آداب و رفتارهای خانوادگی نقشی بسیار اساسی دارد.

ترجمان جهانی برای بیان عواطف: زبان فارسی برای ما ایرانی‌ها یک میراث زنده است. وقتی حرف می‌زنیم، وقتی واژه‌ای را از دلمان برمی‌آوریم، در واقع تاریخ و فرهنگمان را با خود می‌بریم. زبان فارسی به‌طور طبیعی تبدیل به ابزاری شده که احساسات، افکار و نگرانی‌هایمان را به راحتی به دیگران منتقل می‌کند. این زبان نه تنها وسیله‌ای برای ارتباط است، بلکه با هر کلمه‌ای که از زبانمان جاری می‌شود، به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شویم. آیا تا به حال به این فکر کرده‌ایم که اولین لحظاتی که حس محبت و امنیت را در زندگی تجربه کرده‌ایم، دقیقاً به دلیل همان زبان مادری بود؟ زمانی که مادر با نرمی و محبت از تو می‌پرسید: «امروز مدرسه چطور بود؟» یا وقتی پدر با صدای پسر از نگرانی می‌گفت: «مواظب خودت باش». این واژه‌ها بودند که در دل ما آرامش و اطمینان می‌آوردند. زبان فارسی به دلیل ساختار خاص



دکتر غلامرضا امیرخانی

رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی:

شاهکارهای ادبیات پارسی

با واژه‌های زیبای عربی

در آمیخته‌اند



دکتر مسلم نادعلی‌زاده، مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی اهل‌بیت(ع):

اگر می‌خواهیم حافظ زبان

خود باشیم باید ادبیات آن را

حفظ و ترویج کنیم



دکتر عیسی کاکوتی، نویسنده و رئیس هیئت‌مدیره مؤسسه تبیین آفاق پویا:

قصه‌ها و لالایی‌های مادرانه

اولین سنگر زبان فارسی است



مجید رحمتی، شاعر و استاد ادبیات:

خدشه به زبان فارسی ما را

از ریشه‌های مان جدا می‌کند

خود، توانایی ویژه‌ای دارد که احساسات ما را به دیگران منتقل کند. در هر خانه‌ای، زبان فارسی پر از محبت و احساس است. وقتی فرزند بیمار است و مادر با کلمات گرمش می‌گوید: «نگران نباش، زود خوب میشی» یا وقتی در دل یک شب سرد زمستانی، مادر با صدای مهربانش برای فرزندش لالایی می‌خواند، این کلمات نه تنها برای آرامش جسم، بلکه برای آرامش دل هم به کار می‌آیند. واژه‌ها در زبان فارسی توانایی عجیبی دارند که عمق احساسات را بیسان و خانواده‌ها را به یکدیگر نزدیک‌تر کنند.

یکم سوء تفاهم‌ها و حافظ محبت‌ها: هرگاه از مهم‌ترین چالش‌هایی که در روابط خانوادگی وجود دارد، سوء تفاهم‌هاست. گاهی اوقات، در میان اعضای خانواده، گفته‌ها و ناگفته‌ها باعث بروز اختلافات و کدورت‌ها می‌شود، اما یکی از ویژگی‌های برجسته زبان فارسی این است که در بیشتر مواقع می‌تواند به راحتی این سوء تفاهم‌ها را از بین ببرد. وقتی در دل شب، دل‌نگرانی‌ات را به مادر یا پدر می‌گویی، وقتی با صدای گرم و محکم می‌گویی «دلم برات تنگ شده» یا «چقدر نگرانم»، این کلمات به نوعی احساسات و نیازهای پنهانی‌ات را به وضوح برای دیگران روشن می‌کنند. زبان فارسی به‌طور خاص در این زمینه قدرتی ویژه دارد، چرا که با کلماتش می‌توان دقیقاً همانطور که در دل داریم، احساساتمان را بیان کنیم. زبان مادری همه ما فارغ از هر لهجه و گویشی، واژه‌هایی دارد که وقتی به زبان می‌آوریم، به هیچ وجه مبهم و گنگ نیستند. کلماتی مثل «جان دل»، «دست درد نکند» یا «چقدر دلم برایت تنگ شده»، آنقدر احساسات صادقانه‌ای را در دل می‌نشانند که هر سوء تفاهمی‌را از بین می‌برند. وقتی زبان فارسی صحبت می‌کنیم، در واقع نه تنها در حال انتقال اطلاعات، بلکه در حال منتقل کردن عواطف، محبت‌ها و تاریخمان به نسل‌های آینده هستیم. در دنیای امروز که ارتباطات دیجیتال فضای مجازی گاهی باعث فاصله گرفتن افراد از هم می‌شود، زبان فارسی همچنان به‌عنوان یک ارتباط واقعی و صمیمانه، دل‌ها را به هم نزدیک و به ما یادآوری می‌کند که هیچ چیزی نمی‌تواند جایگزین زبان مادری و احساسات واقعی باشد که با آن بیان می‌کنیم.

زبان فارسی، خانه‌ای است برای حرف‌هایی که نمی‌شود ساده گفت. زبانی است که بلند است احساس را بی‌واسطه به دل دیگران برساند. این زبان، گنجینه‌ای است که با آن نه فقط می‌توسیم یا صحبت می‌کنیم، بلکه زندگی را، عشق را، اندوه را و زیبایی را «بیان» می‌کنیم. پس اگر می‌خواهی حرف دلت را بزنی، اگر واژه کم داری برای گفتن آنچه در سینت سبکتی می‌کند، کافی است فارسی را صدا بزنی. این زبان حتی در قالب گویش و لهجه، همیشه چیزی برای گفتن دارد.

اگر می‌خواهیم حافظ زبان خود باشیم باید ادبیات آن را حفظ و ترویج کنیم



ماوراءالنهر تا یمن و از شرق اروپا تا غرب چین، تحت نفوذ زبان فارسی قرار داشته‌اند.

مهم‌ترین آسیب‌ی که امروز زبان فارسی در سطح عمومی با آن روبه‌روست چیست؟

بخشی از آسیب‌هایی که امروزه زبان فارسی با آنها دست‌وپنجه نرم می‌کند، مربوط به طبیعت زبان است که در گذر زمان موجب تغییرات و تحولاتی می‌شود. همه زبان‌ها به نحوی با این تغییرات و تحولات درگیر هستند. برخی واژه‌ها از زبان‌ها حذف و برخی واژه‌ها به زبان افزوده می‌شوند، برخی معانی خود را تغییر می‌دهند، برخی دیگر معنای خود خور را پیدایمی‌کنند و بعضی نیز ضمن حفظ معنای پیشین، معانی جدیدی می‌یابند. آنچه در چارچوب تحولات طبیعی زبان قرار می‌گیرد، جای نگرانی ندارد اما آنچه نگران‌کننده است، تحولاتی است که به زبان تحمیل می‌شود، یعنی به‌صورت طبیعی رخ نمی‌دهند. زمانی که گویشوران یک زبان به‌صورت عمدی و با اصرار، واژه‌های بیگانه را به کار می‌برند در حالی که زبان خودشان ظرفیت لازم را دارد یا زمانی که از زبان‌های دیگر گر‌تبرداری می‌کنند و برخی ساخت‌های زبانی و نحوی آنها را تقلید می‌کنند، این امر به زبان آسیب می‌زند. در چنین مواردی، استاندارد زبان و ادبیات فارسی باید نقش‌آفرین باشند و شیوه‌درست گفتار نوشتار فارسی را به مردم بیاموزند و تلاش کنند تا تعهد به این شیوه، در جامعه نهادینه شود.

چه نقشی برای خانواده‌ها والدین در ترویج زبان درست‌وزبیا قانلید؟ آیا آموزش رسمی کافی است؟

قطعا آموزش رسمی به‌تنهایی برای حفظ زبان کافی نیست و احاد جامعه

دکتر مسلم نادعلی‌زاده، مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی اهل‌بیت(ع) در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: زمانی که گویشوران یک زبان به‌صورت عمدی و با اصرار، واژه‌های بیگانه را به‌کار می‌برند در حالی که زبان خودشان ظرفیت لازم را دارد یا زمانی که از زبان‌های دیگر گر‌تبرداری می‌کنند و برخی ساخت‌های زبانی و نحوی آنها را تقلید می‌کنند، این امر به زبان آسیب می‌زند. در چنین مواردی، استاندارد زبان و ادبیات فارسی باید نقش‌آفرین باشند و شیوه‌درست گفتار و نوشتار فارسی را به مردم بیاموزند و تلاش کنند تا تعهد به این شیوه، در جامعه نهادینه شود. متن این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

شما سال‌ها با زبان و کلام فارسی سروکار داشته‌اید. ایران ما با پرچمداری زبان فارسی تا چه اندازه به درستی به زبان مادری خود وفادار مانده است؟

کشور ایران یکی از قدیم‌ترین کشورهای دنیاست، بنابراین، قدمت زبان نیز در ایران نیز قابل توجه است. همان‌طور که تحولات تاریخی موجب تغییراتی در اقلیم‌ها و جغرافیای زمین شده، تغییراتی نیز در زبان‌های بشری پدید آمده است. به‌طور خاص، زبان فارسی باستان یکی از قدیم‌ترین زبان‌هایی است که در این سرزمین شناسایی شده و امروزه می‌توان آن را در کتیبه‌ها مطالعه و بازخوانی کرد. پس از فارسی باستان، زبان فارسی میانه در شاخه‌های مختلف خود به‌عنوان زبان رسمی ایرانیان شناخته می‌شود. از حدود هزارو ۲۰۰ سال پیش، زبان فارسی دری، زبان مشترک اقوامی است که در جغرافیای ایران، افغانستان و تاجیکستان امروز زندگی می‌کنند. بر این اساس، زبان فارسی دری قدیم‌ترین زبان زنده دنیاست، یعنی هیچ زبان زنده دیگری در دنیا وجود ندارد که مردم یک منطقه از هزارو ۲۰۰ سال پیش تا کنون با آن سخن گفته باشند و گویشوران امروزی آن زبان، بتوانند متون مربوط به هزار یا هزارو ۲۰۰ سال پیشش را بخوانند و درک کنند. این موضوع نشان می‌دهد ایرانیان تا چه اندازه به زبان مادری خود وفادار مانده‌اند و آن را در طول سده‌های متمادی حفظ کرده‌اند. البته در ایران از دیرباز، زبان‌های مختلفی که بسیاری از آنها با زبان فارسی هم‌ریشه و هم‌خانواده‌اند، در مناطق گوناگون کشور رواج داشته‌اند. اما آنچه ایرانیان را در طول زمان به یکدیگر پیوند داده است و همین‌طور سبب پیوند میان مردم ایران، افغانستان، تاجیکستان و بسیاری از مردم کشورهای چون ازبکستان، ترکمنستان، پاکستان، هند، کشورهای حاشیه خلیج فارس، عراق، ترکیه، جمهوری آذربایجان و ارمنستان می‌شود، پیشینه مشترک زبان فارسی در این مناطق است. به‌نحوی که تا حدود ۱۵۰ سال پیش، بخشی از این مناطق، زبان رسمی‌شان فارسی بوده است. البته برخی کشورها در دوره‌هایی به فارسی سخن می‌گفته‌اند و در سده‌های گذشته نیز آنها تغییر کرده‌است، اما زبان مشترکی که همه مردم این مناطق در برهه‌هایی از تاریخ با آن سخن می‌گفته‌اند، زبان فارسی بوده و حتی دامنه نفوذ این زبان تا شرق اروپا و مغرب چین نیز گسترش داشته است. در سده‌های پیشین، سرزمین‌های وسیعی از

دکتر غلامرضا امیرخانی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی:

شاهکارهای ادبیات پارسی با واژه‌های زیبای عربی در آمیخته‌اند

غلامرضا امیرخانی، استادیار تاریخ ایران اسلامی و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی در گفت‌وگو با «جوان» به تأثیر زبان فارسی بر هویت تاریخی و فرهنگی ایرانیان اشاره کرده و می‌گوید: خوشبختانه زبان فارسی در کشور ما روز به روز زنده‌تر و بالنده‌تر می‌شود. به‌رغم تهدیدهایی که وجود دارد، زبان فارسی بر خلاف بسیاری از زبان‌ها که در معرض نابودی قرار دارند، نشان داده می‌تواند با ابزارهای جدید، با ارائه و فضای مجازی سازگار شود و از این آزمون هم سربلند بیرون بیاید. متن کامل گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

آقای دکتر امیرخانی، شما به‌عنوان رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی، زبان فارسی را چگونه عصری در هویت تاریخی و فرهنگی ایرانیان می‌دانید؟

اقوام مختلف ایرانی ماننددله‌های تسبیح در کنار هم هستند و آنچه‌نخ‌این دانه‌ها بوده، زبان فارسی است. زبانی که ریشه‌ای بالغ بر ۲ هزار سال دارد. فارسی‌ای که امروز در اختیار ماست، آمیخته زبان و واژگان زیبای عربی است و همین آمیخته شدن موجب شده شاهکارهای بزرگی در زبان فارسی پدید آید. مثل گلستان و بوستان، مثنوی مولوی و خمسه نظامی. همه اینها در واقع نشان‌دهنده پیوندی و بالندگی زبان فارسی‌اند، یعنی فارسی پهلوی و در ادامه سیر تطور زبان فارسی و آمیختگی آن با زبان و واژگان عربی، تماماً مسیری برای به کمال رسیدن زبان فارسی پدید آورده است. هیچ ایرانی‌ای نیست که به‌مفاخر و گنجینه زبان فارسی از فردوسی گرفته تا سعدی، حافظ، نظامی، مولوی، جامی، عطار و سنایی، افتخار نکنند. زبان فارسی که از حیث گنجینه‌متون ادبی، جزء چند زبان برتر دنیاست، زبانی

نغمه‌ای از دل پارسی، جست‌وجوی زیباترین واژه فارسی

واژه‌هایی که فارسی را جاودانه می‌کنند

تعلق وجودی، یعنی آفتاب، یعنی همه‌چیز تشنگی که مارو به هم وصل می‌کنه.»

در بیمارستان: واژه‌ای از جنس عشق و ایثار

در راهروی بیمارستان خاتم‌الانبیاء، دختری ۲۵ساله که کنار تخت مادر با دردهای چندین ساله مادرش خو گرفته، گپ می‌زنیم. او با چشم‌آبی پر از اشک و لیخندی شکننده می‌گوید: «هنر من، مادر، زیباترین واژه است. این کلمه انگار همه‌چیز منه. مادرم الان مریضه، اما هر بار که می‌گم مادر، قلبم گرم می‌شه. تو فرهنگ ما، مادر یعنی فداکاری، یعنی ریشه، یعنی زندگی، یعنی ستون، یعنی همه چیز» نگار ادامه می‌دهد: «این واژه کوتاهه، اما به دنیا معنا توشه. مادرم همیشه می‌گفت مادر یعنی خونه، یعنی عشق. حالا که حالش به نسبت قبل خوب‌تر نیست، این کلمه برام مقدس‌تر شده.»

در محافل ادبی، واژه‌هایی که شاعران‌اند در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، جایی که بوی نسخه‌های خطی قدیمی، اصالت سیاست و فرهنگ، کاغذ کهنه و صدای بحث‌های

فکری آنها؛ گذشته تا حال را در خود جای داده است. این آثار، چه به زبان فارسی، چه به زبان عربی و چه به سایر زبان‌ها، بخشی از میراث فرهنگی ما هستند. طبیعی است که این نسخه‌های خطی با آثار و اسناد، گنجینه‌ای از زبان فارسی محسوب می‌شوند که در آنها بسیاری از مباحث و سیر تطور زبان فارسی و واژگان قابل ردیابی و بررسی است. به همین دلیل، کتابخانه ملی به‌عنوان نگهبان میراث مکتوب کشور، وظیفه حفظ این آثار را برای آیندگان و همچنین اشاعه و ارائه آنها به نسل جوان، محققان، پژوهشگران و دانشجویان به عهده دارد.

چالش‌ها و فرصت‌های منابعی مادر در فضای دیجیتال امروز چیست و کتابخانه ملی چه نقشی در این زمینه می‌تواند ایفا کند؟

توجه تمامی ارگان‌های دولتی، سازمان‌ها، کتابخانه‌ها، نهادهای پژوهشی، دانشگاه‌ها و همچنین صداسیمیا به حفظ و صیانت از زبان فارسی، چاره و راهکاری برای مقابله با این چالش خواهد بود. به‌تنها زبان فارسی، بلکه زبان‌هایی که مربوط به کشورهای مهمی مثل آلمان، فرانسه و دیگر زبان‌هایی که ممکن است به‌اندازه آنها شهرت نداشته باشند، نیز در معرض تهدید قرار دارند. در حال حاضر، با هژمونی که زبان انگلیسی در دنیا دارد، این احساس وجود دارد که بسیاری از زبان‌ها ممکن است تضعیف شوند. برخی زبان‌ها شاید همین الان هم در معرض نابودی قرار گرفته باشند و تعداد گویشوران‌شان به شدت کاهش یافته باشند.

جایگاه کتابخانه ملی در تقابل با تهدیدهای نرم‌افزاری و زبانی امروز، مانند فراموشی واژگان اصیل فارسی، چیست؟

این روند فرآینده تهدیدزبان‌ها، به‌ویژه زبان‌های محلی و قومی، نگرانی‌های



باید نسبت به پاسداری از زبان خود احساس تکلیف کنند. خانواده‌ها، مدارس، تشکل‌های اجتماعی، دانشگاه‌ها و همه کسانی که به‌نحوی در فرایند آموزش و تربیت نسل‌ها نقش دارند، باید در این مسیر فعالانه مشارکت کنند. در واقع، همه افراد جامعه باید بکوشند تا زبان را حفظ کنند و به‌ارزش صورت متعالی آن، یعنی ادبیات، واقف باشند. در هر زبان، زمانی که واژه‌ها به بلوغ می‌رسند، ادبیات شکل می‌گیرد. یعنی ادبیات، صورت بالغ و کمال‌یافته زبان است. بنابراین، اگر بخواهیم حافظ زبان خود باشیم، باید مروج ادبیات آن باشیم؛ باید ادبیات خود را به‌درستی بشناسیم و از آن پاسداری کنیم تا بتوانیم زبان‌مان را به شیوه‌ای درست حفظ و صیانت نماییم.

دلیل ضعف بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان مادر خوانش و نگارش زبان و ادبیات فارسی چیست؟

خوانش و نگارش درست زبان به تمرین نیاز دارد و اگر دانش‌آموزان و دانشجویان در این زمینه ضعف‌هایی دارند، به‌خاطر این است که کمتر با متون زبان فارسی ارتباط برقرار و از این متون استفاده کرده‌اند. ما باید شیوه آموزش خود را در این زمینه، به‌ویژه در نگارش متحول کنیم. در گذشته، زمانی که کودکان به مکتب‌خانه می‌رفتند، از همان ابتدا با ادبیات آشنا می‌شدند. یعنی همان صورت تعالی یافته زبان. این آشنایی با ادبیات موجب می‌شد هم در زمینه خوانش و هم در زمینه نگارش، توانایی‌های فوق‌العاده‌ای کسب کنند اما در دهه‌های اخیر، پیوسته ارتباط نسل‌های جدید با ادبیات کمرنگ‌تر شده است، چرا که نظام آموزشی ما آن توجه لازم را به ادبیات نداشته است. اگر می‌خواهیم کودکان و فرزندن‌مان در آینده زبان فارسی را به‌خوبی بشناسند، متون گذشتگان را به‌درستی بخوانند و به‌خوبی بنویسند، باید از همان ابتدا برای آموزش ادبیات وقت بگذاریم. باید توجه ویژه‌ای به آموزش ادبیات فارسی در مدارس و دانشگاه‌های خود داشته باشیم. اگر دانش‌آموزان و دانشجویان با متون فاخر ادبی آشنا ما نوس شوند، انگاه زبان فارسی نیز حفظ خواهد شد اما اگر میان دانش‌آموزان، دانشجویان و نسل‌های مختلف ما با ادبیات جدایی بیفتد، زبان هم خواهد‌ناخواه رو به زوال خواهد رفت.

به‌عنوان کسی که صدای او با زبان فارسی گره خورده، اگر بخواهید برای نسل آینده فقط یک توصیه‌زبانی داشته باشید، آن توصیه چیست؟

استاد سخن، سعدی می‌گوید: «زبان در دهان‌ای خرمنند چیست؟/ کلید در گنج صاحب‌هنر/ چو در بسته باشد، چه داند کسی / که گوهر فروش است یا پیلهر و؟» و همچنین باز هم از زبان سعدی می‌گویم: «هو چیز طبره اعقل است، دم فرو بستن / به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی» علاوه بر این، از نظامی بزرگ‌این سخن را تقدیم می‌کنم: «کم گوی و گزیده گوی چون در تا ز اندک تو جهان شود پر».

برای شما، زیباترین واژه فارسی که حامل معنا، موسیقی و فرهنگ باشد، چیست؟

انتخاب سختی است و واژه‌های فراوانی به خاطر می‌آید، ولی من واژه «هر» را انتخاب می‌کنم. در این واژه، هم معنای عمیق وجود دارد و هم موسیقی و هم فرهنگ.



فارسی‌ای که امروز در اختیار ماست، آمیخته با زبان و واژگان زیبای عربی است و همین آمیخته شدن موجب شده که شاهکارهای بزرگی در زبان فارسی پدید آید، مثل گلستان و بوستان، مثنوی مولوی و خمسه نظامی. همه اینها در واقع نشان‌دهنده پیوندگی و بالندگی زبان فارسی‌اند. یعنی فارسی پهلوی و در ادامه سیر تطور زبان فارسی و آمیختگی آن با زبان و واژگان عربی، تماماً مسیری برای کما رسیدن زبان فارسی پدید آورده است

بسیاری را برانگیخته است و یونسکو از ۲۰سال پیش به مسئله تنوع زبانی و فرهنگی پرداخته است. بسیاری از کشورهای دنیا هزینه‌های زیادی را برای حفظ زبان‌های ملی خود می‌کنند. خوشبختانه زبان فارسی در کشور ما روز به روز زنده‌تر و بالنده‌تر می‌شود. به‌رغم تهدیدهایی که وجود دارد، زبان فارسی بر خلاف بسیاری از زبان‌ها که در معرض نابودی قرار دارند، نشان داده می‌تواند با ابزارهای جدید، با ارائه و فضای مجازی سازگار شود. و از این آزمون هم سربلند بیرون بیاید. اتفاقاً فضای مجازی و عصر دیجیتال می‌تواند به معرفی بهتر زبان فارسی، شاهکارهای آن و متون نظم و نثر فارسی به جهانیان کمک کند.



زیباترین واژه پارسی برای هر کس معنایی شخصی دارد اما همه این واژه‌ها در فرهنگ پارسی به هم می‌رسند. عشق، واژه‌ای است که موسیقی دارد. در فرهنگ پارسی، ریشه‌های عمیق دارد و معنایی جهانی را حمل می‌کند. عشق به مادر، به وطن، به زندگی، به هنر... این واژه، نغمه‌ای است که قلب پارسی‌ایان می‌تپد

آیا با زبان فارسی

روز به روز پایبندی‌مان به شعار «

به نظر می‌رسد خیلی‌های‌مان بی‌خیال و در ظاهر به زبان و ادبیات فارسی آف‌کهن پارسی را نمی‌توانیم بدون اشتیاق مثل نقل و نبات استفاده می‌کنیم و مر

می‌بریم. چند سالی هم می‌شود که زبان فارسی در گفت‌و و از واژگان زیبا و اصیل زبان مادری نصفه و نیمه‌رد و بدل می‌می‌شود و خب، همراه با خود، خواه و ناخواه عناصر فرهنگ و هویت اصیل بومی است. حالا بسیاری از والدین بیش از آصرار بر آموزش کامل زبان انگلیسی برای آنان دارند و اووه زبان فاخر فارسی را بیاموزند کلمات انگلیسی را آموزش بچه سه ساله ما انگلیسی حرف می‌زند! بی‌تردید چنین شاهد رسوخ آیین‌ها و مراسم غربی به سبک زندگی‌مان، بارز این رسوخ و نفوذ است. شور بختانه باید گفت زبان فار ب تحصیلکرده و فرهیخته، مدارس و دانشگاه‌ها نیز به صف زبان فارسی در کتاب‌ها و متون کهن دست نخورده باقی خواهد گرفت. ۲۵اردیبهشت ماه روز پاسداشت زبان فار به‌خود بیاییم و ببینیم تا چه حد به شعار «فارسی را پاس

اگر فردوسی امروز زنده بود، فکر می‌کنید زبان فارسی امروز را چگونه می‌دید؟ و ما از او چه می‌آموختیم؟

برداشت شخصی من این است که اگر فردوسی زنده بود، قطعاً بسیار خوشحال می‌شد که می‌دید اشعاری که در هزار سال پیش سروده، هم‌اکنون از سوی ایرانیان خوانده می‌شود، فهمیده می‌شود و در همه جا صحبت از او، اشعار او و شاهنامه‌اوست. ایرانیان به وجود او افتخار می‌کنند، با هر نوع بینش و نگرشی که دارند قطعاً فردوسی افتخار می‌کرد بسیاری از افراد در طول این قرون گذشته سعی کرده‌اند از شاهنامه‌او تقلید کنند و منظومه‌های محاسنی بساریند.

برای شما، زیباترین واژه فارسی که حامل معنا، موسیقی و فرهنگ باشد، چیست؟

به نظر من، شاید زیباترین واژه‌ای که در شاهنامه به کار رفته و کاملاً ریشه در زبان فارسی دارد، واژه «دانش» باشد. این کلمه، قطعاً یک کلمه پارسی است و نیاز به توضیح ندار، چون معنای آن برای همگان آشکار است. فردوسی هم در چند بیت به‌طور مشخص از این واژه استفاده کرده است. به‌عنوان مثال، علاوه بر بیت معروف «توانا بود هر دانا بود / دانش دل پیر بنا بود»، که من خیلی به آن علاقه دارم، در بیت دیگری هم می‌گوید: «هر دانشی چون سخن بشنوی / از آموختن یک زمان نغذی».

با سمیرا، دختری ۳۰ساله که با دقت روی تک‌های چوب نقش می‌زند، هم کلام می‌شویم. او با لیخندی پر از افتخار می‌گوید: «برای من، هنر زیباترین واژه است. این کلمه هم موسیقی داره، هم تو فرهنگ ما پر از زندگیه از نقش‌ونگارهای تخت‌جمشید تا منبت کاری‌های امروز، هنر همیشه روح پارسی رو نشون داده».

زیباترین واژه پارسی برای هر کس معنایی شخصی دارد اما همه این واژه‌ها در فرهنگ پارسی به هم می‌رسند. امید حاج‌رحیم، دوستی فاطمه، مادر نگار، جهان‌دکتر ناصری، دل مهتاب خاتمی آقایی کاطلی، بازی آرتین، راستی پژوهشگر فلسفه، آزادی پارسا و هنر سمیرا، همه تکه‌هایی از گنجینه پارسی‌اند. اگر بخواهیم واژه‌ای را برگزینیم که این معنای را در خود جمع کند، شاید عشق باشد. عشق، واژه‌ای است که موسیقی دارد، در فرهنگ پارسی ریشه‌ای عمیق دارد و معنایی جهانی را حمل می‌کند. عشق به مادر، به وطن، به زندگی، به هنر... این واژه، نغمه‌ای است که قلب پارسی با آن می‌تپد.

دکتر عیسی کاکوتی، نویسنده و رئیس هیئت‌مدیره مؤسسه تبیین آفاق پویا

قصه‌ها و لالایی‌های مادرانه اولین سنگر زبان فارسی است

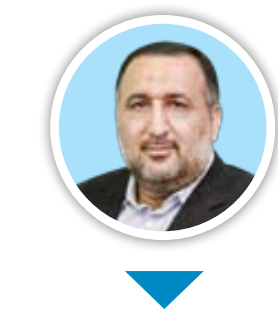


ترجمه‌های آنلاین و محتوای سریع‌الوصول محاصره شده، اما هنوز هم «متن» قدرت خود را دارد؛ این تحول باید از خانه شروع شود. بنا به صحبتی که فرمودید، نمایشگاه باید فرصتی برای ترویج مادران و پدران باشد تا کتاب وارد زندگی فرزندان شود؟

بله، ولی امروز که به نمایشگاه کتاب سر می‌زنیم، منظره‌ای متفاوت از سال‌های گذشته پیش‌رو داریم. خبری از خانواده‌هایی که با شور و اشتیاق فرزندان خود را به نمایشگاهی می‌برند و چند کیسه کتاب در دست داشتند، نیست. حالا در بسیاری از غرفه‌ها، تنها یکی دو بروشور تبلیغاتی در دست‌ان بازدیدکنندگان دیده می‌شود و اگر کسی حتی یک یا دو کتاب بخرد، اتفاق بزرگی به حساب می‌آید. نمایشگاه کتاب باید رویدادی مردمی باشد، نه صرفاً رویدادی نمایشی برای گزارش و پایگانی. باید معنا داشته باشد، باید بتواند در زندگی خانواده‌ها جاری شود. اگر چنین نباشد، همه چیز به ظاهرسازی ختم خواهد شد. متأسفانه کودکان امروز بیشتر وقت خود را پای صفحه نمایش‌ها می‌گذرانند. صدای مادر را نمی‌شنوند و والدین هم برای خلوت کردن زمان خود، تبلت را جایگزین آغوش و صدای خود کرده‌اند. این مسئله تنها مختص کشور ما نیست؛ در بسیاری از نقاط جهان نیز چنین تگرانی‌هایی وجود دارد. در چنین شرایطی، وقتی کتاب به شکل صوتی یا اینترنتی به کودک عرضه می‌شود، صدای مادر حذف می‌شود. در حالی که مادر باید کتاب را برای فرزندش بخواند، باید پیش از آموزش زبان دوم، زبان اول را به کودک بیاموزد. داستان‌ها و افسانه‌های مادرانه باید زنده بمانند. من خودم بسیاری از مثل‌ها و داستان‌های نواحی مختلف ایران را از مادر بزرگم آموختم. چون برایم وقت می‌گذشت، برایم قصه می‌گفت. فرهنگ، زبان و هویت از دل خانواده، از دل مادر آغاز می‌شود.

پرسش آخر، چه آینده‌ای را برای زبان فارسی پیش‌بینی می‌کنید؟

من نگران آینده زبان فارسی نیستم؛ این زبان، زبانی الهی و قدرتمندی است، ماندگار است، حتی اگر ما محافظان خوبی برایش نباشیم، خود زبان راهش را پیدا می‌کند، اما وظیفه ما این است که با عشق و آگاهی از آن استفاده کنیم و آن را زنده نگه داریم.



صدای مادر که در شب لالایی می‌خواند، تأثیری دارد که هیچ فایل صوتی و هیچ یادگستی نمی‌تواند جای آن را بگیرد و اولین سنگر حفظ زبان فارسی است. فراموش کرده‌ایم که کتاب باید در خانه زنده بماند، اما امروزه حتی وقتی می‌خواهند بچه را بخوابانند، فقط برایش موسیقی یا لالایی ضبط شده می‌گذارند!

تراز و شانزگر است؛ یک آیین. البته این فقط سطح ماجراست. اصل ماجرا باید در دامنه هرم اتفاق بیفتد، چراکه معتقدم هرم ما زلو را باید برعکس نگاه کرد. مسیر از دامنه آغاز می‌شود، نه از قله؛ یعنی از سبک زندگی، از زبان، از فکر، از زیست روزمره، از خانواده، مدرسه، محیط کار و جامعه. به این معنا که کتاب، لالایی گرم مادر است. صدای مادر که در شب لالایی می‌خواند، تأثیری دارد که هیچ فایل صوتی و هیچ یادگستی نمی‌تواند جای آن را بگیرد و اولین سنگر حفظ زبان فارسی است. فراموش کرده‌ایم که کتاب باید در خانه زنده بماند، اما امروزه حتی وقتی می‌خواهند بچه را بخوابانند، فقط برایش موسیقی یا لالایی ضبط شده می‌گذارند! این موضوع، من خودم بسیاری از مثل‌ها و داستان‌های نواحی مختلف ایران را از مادر بزرگم آموختم. چون برایم وقت می‌گذشت، برایم قصه می‌گفت. فرهنگ، زبان و هویت از دل خانواده، از دل مادر آغاز می‌شود.

پرسش آخر، چه آینده‌ای را برای زبان فارسی پیش‌بینی می‌کنید؟

من نگران آینده زبان فارسی نیستم؛ این زبان، زبانی الهی و قدرتمندی است، ماندگار است، حتی اگر ما محافظان خوبی برایش نباشیم، خود زبان راهش را پیدا می‌کند، اما وظیفه ما این است که با عشق و آگاهی از آن استفاده کنیم و آن را زنده نگه داریم.

با لهجه‌های متنوع، وارد زبان فارسی شده و آن را غنی‌تر کرده است. در فضای مجازی نیز شاهد استفاده از واژگان جدید هستیم که همراه با معادل فارسی یا توضیحاتی در مورد ریشه‌های آنها آورده می‌شود. این تغییرات، به ویژه در واژه‌هایی که به طور مکرر استفاده می‌شوند، ضروری است. به عنوان مثال، کلماتی مانند بار، نمره یا امتیاز که در زندگی روزمره به کار می‌روند، باید با دقت بیشتری مورد استفاده قرار گیرند و ارتباطی معنادار با آنها برقرار کرد. قطعاً باید در این مسیر گام برداریم. در کشور ما به دلیل متون دینی چون قرآن کریم، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه، ترکیب زبان فارسی و عربی در گفتار و نوشتار ما خالص‌سازی و دقت در کار نویسندگان را دشوار کند. در گذشته، برای دسترسی به منابع و کتاب‌ها باید جست‌وجوی می‌کردید و گاه ساعت‌ها زمان می‌برد، اما امروز به لطف فناوری‌های نوین، می‌توان به راحتی در خانه اطلاعات را جست‌وجو کرد و حتی به آنها گوش داد یا از آنها بهره برد. به طور مثال هوش مصنوعی امروز نه تنها به کمک ما آمده، بلکه به ما امکان می‌دهد تا سریع‌تر و دقیق‌تر مطالب خود را اصلاح و بهبود بخشیم. از این رو، هیچ گونه نگرانی نداریم. دغدغه من این است که زبان فارسی را در میان کودکان و نسل جدید با شیوه‌هایی شایسته و جذاب ترویج دهیم. این امر باید به صورت طبیعی و در بستر زندگی روزمره صورت گیرد و نه به صورت دستسوری یا امرانه از سوی نهادها باید با پذیرش تغییرات و عقلانیت عمل کنیم. با وجود چالش‌ها، هر زبان و فرهنگ به مرور صیقل می‌خورد و به شکلی زیبا و درخشان تبدیل می‌شود، مانند قله‌ه سنگی که در دریا به سنگی صیقلی تبدیل می‌شود.

زبان فارسی را در میان نسل جدید، به ویژه در فضای مجازی چگونه می‌بینید؟ چقدر رسانه‌ها و نهادهای آموزشی در ترویج و پاسداشت زبان فارسی موفق عمل کرده‌اند؟

این وضعیت گذار، برای نهادها نیز شرایط دشواری ایجاد کرده است. در زمان تاطلم، انرژی بیشتری برای حفظ آرامش لازم است، اما متأسفانه هرچه تلاطم بیشتر می‌شود، گاهی تنبلی و بی‌عملی نیز افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی، کسانی که برخلاف جریان حرکت می‌کنند، ضربه می‌خورند. اینجاست که ستاره‌ها، قهرمان‌ها و پهلوانان واقعی می‌درخشند؛ کسانی که مقاومت بالایی دارند و می‌توانند حتی برخلاف موج نیز حرکت کنند؛ در رسانه نیز همین گونه است. برخی افراد که بر محتوا و پرترکانند، تأثیرگذار می‌شوند، اما معتقدم در دنیای امروز، باید میان تکرار و تنوع تعادلی ایجاد کرد. رسانه‌هایی که عمق ندارند، در این شب لافزنده سقوط می‌کنند. تنها رسانه‌ها و افرادی که قدرتمند، عمیق و آگاهند، می‌توانند تصویر واقعی ارائه دهند. در دوران گذار کسانی که در میدان رسانه حضور دارند، درگیر عملیات‌های مهم، سخت و پریسک هستند؛ با حجم بالای تلفات، مصدومان و حتی خود باختگان، اما با وجود این دشواری‌ها اگر برآند کلی این مسیر را در نظر بگیریم، موفقیت قابل توجهی به دست می‌آید. البته در چنین شرایطی نمی‌توان خلاف موج حرکت کرد، بلکه باید با درک دقیق از «موج حاکم»، مسیری هوشمندانه انتخاب کرد. کسانی شکست می‌خورند که بدون شناخت عمیق از شرایط، فقط برای سرعت بیشتر در این مسیر قدم می‌گذارند.

با شروع نمایشگاه بین‌المللی کتاب، این رویداد و دیگر رویدادهای فرهنگی چه جایگاهی در ترویج زبان فارسی دارند؟

در مورد نمایشگاه کتاب که این روزها آغاز شده است باید آن را یک فرصت مسلیک بسیار مهم دانست. هرچند نگاه‌ها به آن متفاوت است. بعضی آن را اقتصاد فرهنگ می‌نامند، بعضی بازار فرهنگ، برخی تجارت کتاب و برخی دیگر نمایش و تبلیغ، اما از نگاه من، نمایشگاه کتاب یک

دکتر عیسی کاکوتی، رئیس هیئت‌مدیره مؤسسه تبیین آفاق پویا، نویسنده‌ای پر تلاش با سابقه نگارش هزاران کتاب، کتاب و اثر آموزشی است. او زبان فارسی را نه صرفاً ابزاری برای سخن گفتن، بلکه جان فرهنگ و شناسنامه هویت ملی می‌داند. در روزهایی که بسیاری نگران فرسایش تدریجی زبان فارسی هستند و نگاهی امیدوارانه دارد و بر این باور است که به جای ترس از تغییر، باید با رویکردی هوشمندانه و جذاب این زبان را در دل کودکان و نسل جدید زنده نگه داشت، آن‌ها را به تدریس و ترویج وادار کرد، بلکه در بستر زندگی روزمره و بازی‌ها، قصه و شعرهای مادری، به پنهان ۲۵ اردیبهشت، روز پاسداشت زبان فارسی پای صحبت‌های او نشستیم.

زبان فارسی را چه اندازه با هویت ملی‌مان گره خورده می‌بینید؟

یکی از ویژگی‌های کشورمان این است که نه تازه تأسیس و نه از سوی مهاجران، آوارگان، سلطه‌گران، تجاوزگران یا اشغال‌گران تأسیس شده است، بلکه کشوری پر قدمت با سئنوات طولانی و تاریخی است. شاید گسترش آن را هم حتی به قبل برگردانیم، ولی این جایی که اکنون به عنوان ایران شناخته می‌شود، یک گستره وسیع با قدمت طولانی است. زبان نیز پیام اصالت این سرزمین را با خود دارد و هم مطالب نهادهی شده‌ای را که در وجودش جای گرفته است. این مطالب، جدید هم نیست و اگر هم تأثیراتی از برخی زبان‌ها پذیرفته باشد، اما ریشه تاریخی و بر اصلتش در محاورات اجداد و نیاکان ما حضور دارد.

به نظر شما ظرفیت‌ها و توانمندی‌های زبان فارسی برای خلق آثار ادبی چگونه است؟

ظرفیت‌های زبان فارسی و توانمندی‌های آن، به ویژه برای خلق آثار ادبی، دامنه‌ای گسترده دارد. از آنجا که کارم با کلمات، واژگان، جملات، متن‌ها، قصه‌ها، تاریخ و نوشته‌هاست و تقریباً در برخی از کشورهای دنیا نیز این موضوع را پیگیری کرده‌ام، می‌بینم شیوایی زبان فارسی، گیرایی آن، تنوع کلماتش و استفاده از حالت‌های متفاوت یک انسان در زمان، مکان و شرایط گوناگون این قدرت و این ویژگی منحصر یا انحصاری را به این زبان می‌بخشد که زبان فارسی ما باشد. این زبان، زبانی است شیرین، لطیف و گویش آن روان و ساده است و قابلیت بهره‌گیری به عنوان ابزار ارتباطی انسان‌ها یا یکدیگر را دارد. به زبان فارسی تعصب دارم، اما این کلمات از روی تعصب صرف بیان نمی‌شود، وقتی شما با زبان‌های دیگر، آن هم زبان‌های معروف دنیا مواجه می‌شوید، میزان غلط‌های بیانی، میزان سختی‌ها، میزان دشواری در یادگیری، میزان مشکل داشتن در فراگیری و نیز میزان روان نبودن در بیان را که می‌سنجید، زبان فارسی یک لذت، حلاوت و یک شیرینی خاص دارد.

برخی معتقدند امروزه زبان فارسی با تهدیداتی جدی روبه‌روست، نظر شما در این باره چیست؟

حدود هزار و ۸۲ عنوان کتاب، کتابک و کتاب همراه تا به امروز به چاپ رسانده‌ام و همچنان در این حوزه مشغول فعالیت هستم. امروز دیگر زبان‌ها مانند گذشته نیستند، چراکه به واسطه گسترش ارتباطات، شبکه‌های اجتماعی، اینترنت و فضای مجازی، به سرعت در حال تغییر و تحول هستند. در گذشته، برای یافتن مطلبی ناچار بودید یا به مسافرت بروید یا به کتابخانه‌ای مراجعه کنید، اما امروز، به دلیل حجم بالای اطلاعات و واژگان، زبان‌ها تقریباً به صورت بین‌المللی در حال جریان هستند و دیگر نمی‌توان به طور خالص از آنها استفاده کرد. خب در کشور ما نیز تلاش‌های بسیاری برای معادل‌سازی واژگان و حفظ ریشه‌های بومی زبان فارسی صورت گرفته است. تغییرات زبانی تنها به تأثیر زبان‌های فارسی و عربی محدود نمی‌شود. زبان‌هایی چون چینی نیز به دلیل ارتباطات بین‌المللی تأثیر خود را گذاشته‌اند. این فرآیند به ویژه با زبان‌های روسی، فرانسوی، انگلیسی و حتی زبان‌های مختلف

مجید رحمتی، شاعر و استاد ادبیات:

خداشه به زبان فارسی ما را از ریشه‌های ما جدا می‌کند



از آنجاکه بسیاری از ارزش‌ها، آداب و رسوم و حکمت‌های قومی از طریق زبان منتقل می‌شوند

اگر زبان فارسی در گفت‌وگوها و نوشته‌های ما آسیب ببیند، از نظر فرهنگی و هویتی چند آسیب از جمله کاهش احساس تعلق به هویت ایرانی بروز پیدا می‌کند. اگر زبان ضعیف شود، انتقال نسل به نسل نیز مختل می‌شود، چراکه زبان فارسی بستری برای تولید شعر، داستان، ضرب‌المثل‌ها و آثار هنری بوده‌است

در دهه‌های اخیر، ورود واژه‌های نوین به‌ویژه از انگلیسی بسیار شدت گرفته و در برخی حوزه‌ها مثل فناوری یا تجارت، جایگزین‌های فارسی کمتر جفا افتاده‌اند و فرهنگستان زبان و ادب فارسی بارها تلاش کرده جایگزین‌های فارسی برای واژه‌های بیگانه بسازد مانند «رایانه» به جای «کامپیوتر»، اما موفقیت این واژه‌ها در بین مردم متفاوت بوده است. در محاوره روزمره نیز بسیاری از مردم به راحتی واژه‌های بیگانه را به کار می‌برند و گاهی واژه‌های فارسی رسمی را ناشنا یا نامأنوس می‌یابند. در مجموع می‌توان گفت حساسیت فرهنگی نسبت به حفظ زبان وجود دارد، اما پایدنی

پل ارتباطی میان والدین و فرزندان کلمه‌ها هستند. کودک، سخن گفتن را از آغوش مادر آغاز می‌کند و با لالایی‌ها، قصه‌ها و گفت‌وگوهای روزمره یا به دنیای زبان می‌گذارد. زبان مادری تنها ابزاری برای ارتباط نیست، بلکه حامل فرهنگ، هویت و ریشه‌های یک ملت است. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا زبان فارسی همچنان جایگاه خود را در خانه‌ها و مدرسه‌ها حفظ کرده است؟ برای بررسی جایگاه امروز زبان فارسی با مجید رحمتی، شاعر و استاد ادبیات به گفت‌وگو نشستیم؛ متن کامل گفت‌وگو در ادامه می‌آید.

چه ویژگی‌ها و برتری‌هایی باعث شده است زبان فارسی جهانی شود؟

زبان فارسی یکی از کهن‌ترین زبان‌های زنده دنیاست که بیش از هزار سال ادبیات مکتوب دارد و در دوره‌هایی زبان رسمی یا فرهنگی بخش‌های بزرگی از آسیای میانه، شبه‌قاره هند و حتی عثمانی بوده است. شاعران و نویسندگانی مثل حافظ، سعدی، مولوی، فردوسی و خیام آثار بی‌بدلی خلق کرده‌اند که به بسیاری از زبان‌های دنیا ترجمه شده و الهام‌بخش فرهنگ‌های مختلف بوده و نقش فرهنگی و تمدنی زبان فارسی اینگونه است که زبان فلسفه، عرفان و علم در دوره‌های طلایی تمدن اسلامی بود و بسیاری از متون علمی و فلسفی قرون وسطی به فارسی نوشته یا از فارسی ترجمه شده است. برخلاف برخی زبان‌ها، فارسی از نظر دستوری پیچیدگی‌های کمتری دارد (مانند فقدان جنسیت دستوری و صرف فعل ساده‌تر) که یادگیری آن را برای خارجی‌ها آسان‌تر می‌کند و پیوستگی با فرهنگ‌های مختلف دارد. فارسی همیشه پل ارتباطی میان فرهنگ‌های ایرانی، ترک، عرب و هند بوده و این میثاقی‌گری فرهنگی به گسترده‌ای کمک کرده است.

با این وجود آیا به شعار «فارسی را پاس داریم» یا باید بدهیم؟

درآمدهای مالیاتی دولت در ۳ سال گذشته جهش کم‌سابقه‌ای داشته است

آمارهای مالیاتی از جیب مردم عادی چاق می‌شود

نظام مالیاتی کشور طی سه سال گذشته با تحولی اساسی مواجه شده است؛ تحولی که از منظر ارقام به جهش در آمدی برای دولت انجامیده، اما از منظر عدالت مالیاتی همچنان پرسش‌برانگیز باقی‌مانده است. براساس اعلام رسمی، میزان درآمدهای مالیاتی کشور از حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰، به بیش از هزار و ۲۲۹ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۲ رسیده است، یعنی رشدی بیش از چهار برابر. این در حالی است که سهم مالیات در تأمین هزینه‌های جاری کشور نیز از ۳۰ درصد به بیش از ۷۰ درصد افزایش یافته است. با این حال، منتقدان می‌گویند این رشد بیش از آنکه از محل مبارزه با فرار مالیاتی و مالیات‌ستانی از ثروت باشد، از جیب حقوق‌بگیران ثابت و مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات پر داشت شده است.

■ ■ ■

دولت در سال‌های اخیر به دلایل مختلف، از جمله محدودیت در فروش نفت، کاهش دسترسی به منابع خارجی و لزوم کنترل پایه پولی، بیش از گذشته به درآمدهای مالیاتی تکیه کرده است. در سال گذشته، حدود ۵۰ درصد منابع عمومی بودجه از محل مالیات تأمین شده و این یک جهش مهم در ساختار درآمدی کشور است. همچنین حدود ۷۰ درصد از هزینه‌های جاری نیز با اتکا به درآمدهای مالیاتی پوشش داده شده است. به‌عبارتی، دولت موفق شده است بخش بزرگی از خرج‌های روزمره خود را بدون استقراض و با استفاده از منابع درون‌زا تأمین کند. رقم هزار و ۲۲۹ هزار میلیارد تومان درآمد مالیاتی در سال گذشته، کاملاً منطبق با رقم مصوب قانون بودجه بوده و به‌طور کامل محقق شده است. اگر این رقم را با سال ۱۴۰۰ مقایسه کنیم که حدود ۳۰۰ همت بوده و شاهد رشد چهار برابری هستیم.

■ **درآمد مالیاتی خوب است، اما از چه زمانی؟**

افزایش درآمد مالیاتی در نگاه نخست، نشانه‌ای مثبت از حرکت اقتصاد به‌سوی پایداری و کاهش وابستگی به نفت است، اما وقتی دقیق‌تر به ترکیب این درآمد نگاه می‌کنیم، برخی نگرانی‌ها بر جسته می‌شود. منتقدان می‌گویند عمده بار مالیات بر دوش اقشار متوسط و کم‌درآمد جامعه قرار گرفته است؛ کسانی که حقوق و دستمزدشان شفاف است و نمی‌توانند از پرداخت مالیات فرار کنند. در مقابل، برخی بنگاه‌های اقتصادی بزرگ، صاحبان مشاغل بر درآمد و حتی وار کنندگان و دلان را به‌طور کامل از مالیات معافند یا با شیوه‌های مختلف، از زیر بار آن شانه خالی می‌کنند. در همین راستا، بحث مالیات بر سود سرمانی، مالیات بر خانه‌های خالی، مالیات بر خودرو و سکه... بارها مطرح شده، ولی هیچ‌گاه به اندازه مالیات بر حقوق‌کامندان به مرحله اجرا نرسیده است.



■ **مالیات بر ارزش افزوده؛ مسئله یا راهکار؟**

یکی از بحث‌برانگیزترین منابع مالیاتی در ایران، مالیات بر ارزش افزوده است. این نوع مالیات، به‌طور غیر مستقیم از مصرف‌کنندگان نهایی دریافت می‌شود و عملاً همه اقشار، صرف‌نظر از سطح درآمد، به‌یکسان آن را پرداخت می‌کنند. این مسئله باعث شده بسیاری از کارشناسان اقتصادی، مالیات‌ستانی از ثروت، فشار مالی آن بیشتر متوجه فقرا و مصرف‌کنندگان نهایی است. در همین زمینه، برخی فعالان اقتصادی پیشنهاد داده‌اند که مالیات بر ارزش‌افزوده به‌صورت هوشمند باطراحی شود یا بخشی از درآمد آن به صورت بازگشت نقدی یا یارانه‌ای به طبقات پایین جامعه برگردانده شود. در غیر این صورت، نظام مالیاتی نه تنها به تحقق عدالت اجتماعی کمک نمی‌کند، بلکه شکاف طبقاتی را نیز تشدید خواهد کرد.

■ **فرار مالیاتی؛ زخم کهنه‌ای که در مان نمی‌شود**

یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام مالیاتی، فرار مالیاتی است، اگرچه مسئولان بارها از راندن‌ازی سامانه‌های هوشمند و تبادل اطلاعات میان دستگاه‌ها برای شناسایی مؤذیان پنهان خبر داده‌اند، اما در عمل فرار مالیاتی همچنان گسترده است. برخی تخمین‌ها حاکی از آن است که سالانه بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی در کشور رخ می‌دهد. وجود حساب‌های بانکی بی‌هویت، تراکنش‌های مشکوک، درآمدهای بدون سند و همچنین نفوذ برخی گروه‌های ذی‌نفوذ اقتصادی، اجرای عدالت مالیاتی را دشوار کرده است. در این میان، هر مردم از خود می‌پرسند چگونه ممکن است کارگران و کارمندان بدون استثنا مالیات دهند، اما برخی بنگاه‌های بزرگ یا مشاغل پر درآمد هیچ مالیاتی نیر دارند.

■ **پایان بازی؛ اصلاح یا اعتراض؟**

افزایش درآمد مالیاتی دولت اگر چه یک موفقیت بودجه‌ای محسوب می‌شود، اما بدون اصلاح در ساختار و جهت‌گیری این درآمد، ممکن است به نارضایتی عمومی بینجامد. تجربه کشورهای موفق در زمینه نظام مالیاتی نشان می‌دهد که شفافیت، عدالت، و بازتوزیع منصفانه منابع، سه پایه اساسی اعتماد عمومی به نظام مالیاتی هستند. حال اگر دولت قصد دارد همچنان بر درآمدهای مالیاتی تکیه کند، ناگزیر بر باید به سمت اصلاح عمیق در ترکیب مالیات‌ستانی برود، یعنی مالیات از ثروت، سرمایه، مصرف‌تجملی، فعالیت‌های دلالی و سوداگری، جایگزین مالیات از کار و مصرف عمومی شود. در غیر این صورت، هر چند آمار درآمدی رشد کند، اما احساس عدالت در جامعه فرو نخواهد نشست.

وقتی برق می‌زدند، خاموشی سهم مردم می‌شود. این جمله شاید دقیق‌ترین توصیف از یک بحران پنهان در زیر پوست شبکه برق کشور باشد؛ بحرانی که حالا با آمار رسمی از سایه بیرون آمده و در قامت یک عدد تکان‌دهنده قد کشیده است: ۳ هزار مگاوات انشعاب غیرمجاز. در شرا یبلی که افزایش دمای بی‌سابقه هوا زنگ هشدار را برای مصرف برق در کشور به صدا در آورده و کاهش ۴۰ درصدی ذخایر آبی سدها توان تولید برق آبی را به شدت کاهش داده، این رقم غیرمجاز بیش از همیشه در کانون توجه قرار گرفته است. دزدی برق، دیگر صرفاً یک مسئله حاشیه‌ای در مناطق کم‌برخوردار نیست، بلکه به یکی از جدی‌ترین تهدیدهای پایداری شبکه بدل شده است. وزارت نیرو هشدار داده است که امسال محدودیت‌های برقی زودتر از همیشه آغاز می‌شود؛ یکی از دلایل اصلی آن، همین برداشت‌های پنهان و بی‌حساب از شبکه برق است. موضوعی که بی‌تردید، نیازمند عزمی ملی برای مقابله با آن خواهد بود.

■ ■ ■

تایستان هنوز فرانسیده، اما برق در برخی نقاط کشور به سرعت به مرحله هشدار رسیده است. گرمای زودهنگام و کم‌آبی بی‌سابقه، به‌تنهایی می‌توانستند شبکه را تحت فشار قرار دهند، اما آنچه این فشار را به مرز انفجار نزدیک کرده، انبوه انشعابات غیرمجاز در کشور است؛ انشعاباتی که حدود ۳ هزار مگاوات از توان شبکه را به صورت غیرقانونی مصرف می‌کنند. این رقم، معادل مصرف همزمان چند کلانشهر است و آثار مستقیم آن در خاموشی‌ها، افت ولتاژ و فرسودگی تجهیزات برق‌رسانی دیده می‌شود. طبق اعلام وزیر نیرو، کاهش منابع آبی موجب کاهش ظرفیت نیروگاه‌های برق آبی تا ۴۰ درصد شده و این یعنی در کنار مصرف غیرمجاز، تولید برق نیز با محدودیت مواجه است.

■ **ردپای مزارع رمزارز**

یکی از مقاصد اصلی این انشعابات، تأمین برق برای مزارع استخراج رمزارز غیرمجاز است. این واحدها با اتصال مستقیم به شبکه یا دستکاری در تجهیزات برق‌رسانی، مقادیر عظیمی از انرژی را بدون پرداخت هزینه برداشت می‌کنند. به گفته برخی منابع غیررسمی، بیش از ۶۰۰ مزرعه غیرقانونی شناسایی شده که از برق یارانه‌ای برای استخراج رمزارز استفاده می‌کنند. در برخی استان‌ها حتی مواردی از اتصال مستقیم به خطوط انتقال فشار قوی گزارش شده که به‌شدت امنیت شبکه را به خطر انداخته است، این در حالی است که مصرف بالای این مراکز به‌ویژه در ساعات پیک، تأثیر مستقیمی در خاموشی مناطق مسکونی دارد.

■ **محروریت پنهان، خاموشی آشکار**

ماجرای انشعابات غیرمجاز فقط به رمزارزها ختم نمی‌شود. در حاشیه کلانشهرها، سکونتگاه‌های غیررسمی و برخی مناطق کم‌برخوردار، خانوارهایی

برق دزدی در تاریکی قانون

۳ هزار مگاوات از برق کشور را انشعابات غیرمجاز مصرف می‌کنند. این رقم در کنار کاهش شدید منابع آبی و موج گرمای زودهنگام فشار مضاعفی به شبکه وارد کرده و نیازمند اقدام فوری حقوقی، فنی و اجرایی است



همزمانی کاهش منابع آبی و افزایش انشعابات غیرمجاز، خطر خاموشی را زودتر از همیشه به خانه‌ها رسانده است. وزارت نیرو هشدار داده که تداوم این روند می‌تواند پایداری شبکه را در ماه‌های آینده تهدید کند و نیازمند اقدام فوری است

در روزهای گرم تابستان نه به مصرف‌کنندگان رسمی، بلکه به همین انشعابات غیرقانونی بازمی‌گردد که غالباً در مناطق صنعتی متروکه، مزارع پنهانی رمزارز، دامداری‌های سنتی یا حتی باغ‌شهرها دیده می‌شود. در بسیاری از این موارد، مصرف‌کنندگان غیرقانونی نه تنها هزینه‌ای پرداخت نمی‌کنند، بلکه با تجهیزات غیراستاندارد، ایمنی شبکه را نیز به خطر می‌اندازند.

■ **هزینه‌های سنگین برای صنعت برق**

طبق برآوردهای کارشناسان، زیان مستقیم اقتصادی ناشی از انشعابات غیرمجاز برق، سالانه چندین هزار میلیارد تومان می‌رسد. این زیان در قالب آسیب به ترانس‌ها، فرسایش شبکه توزیع، هزینه‌تعمیرات، افزایش خاموشی و البته کاهش اعتماد عمومی به نظام توزیع یارانه انرژی تجلی پیدا می‌کند. همچنین برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد که برق غیرمجاز، اغلب بدون رعایت نکات فنی گرفته می‌شود و احتمال بروز آتش‌سوزی، برق‌گرفتگی، صدمه به انسان‌ها و حیوانات و اختلال در عملکرد شبکه را افزایش می‌دهد. این خطرات، به‌ویژه در سکونتگاه‌های غیررسمی که فاقد زیرساخت آیین هستند، چند برابر است.

■ **تجربه کشورهای دیگر**

در بسیاری از کشورهای دنیا، مسئله سرقت برق چالش جدی بوده است. هند، بنگلادش، آفریقای جنوبی، برزیل و حتی ترکیه در مقطعی با بحران مشابهی مواجه بوده‌اند، اما با اتخاذ سیاست‌های ترکیبی

شامل بر خورد قضایی، اصلاح ساختار تعرفه‌ای، نصب کنتورهای هوشمند و ارائه انشعابات مشروط برای خانوارهای کم‌برخوردار، توانسته‌اند دامنه بحران را محدود کنند. برای نمونه، در هند طرحی اجرا شد که طی آن خانوارهای حاشیه‌ای با پرداخت مبلغی اندک و در چارچوب یک بسته حمایتی، صاحب انشعاب قانونی شدند. این رویکرد موجب شد تا آمار سرقت برق در دهلی طی پنج سال، بیش از ۷۰ درصد کاهش یابد.

■ **ضرورت تصویب قانون ویژه مقابله با برق‌دزدی**

در حال حاضر، مجازات مشخصی برای استفاده غیرقانونی از برق در قوانین ایران وجود دارد، اما اجرای این مجازات‌ها به‌واسطه پیچیدگی‌های قضایی، ضعف در کشف جرم و ملاحظات اجتماعی چندان کارآمد نبوده است. برخی کارشناسان مجلس معتقدند که برای مقابله با این پدیده، باید یک قانون ویژه و شفاف به تصویب برسد که امکان اجرای فوری، جریمه‌های سنگین، ضبط تجهیزات و قطع دسترسی مجدد را فراهم کند. از طرفی، سازمان بازرسی کل کشور نیز باید نظارت دقیق‌تری بر عملکرد شرکت‌های توزیع برق داشته باشد، چراکه برخی از این انشعابات حتی در محدوده‌های شهری و در برابر چشم نیروهای اجرایی

شکل می‌گیرند.

■ **سکوت پر هزینه در برابر انشعابات**

واقعیت آن است که در بسیاری از مناطق کشور، پدیده انشعاب غیرمجاز سال‌هاست به امری عادی تبدیل شده است؛ امری که جامعه، دولت و حتی رسانه‌ها گاهی در برابر آن سکوت کرده‌اند، اما امروز که تابستان زودتر از موعد آمده و شبکه برق در آستانه بحران قرار دارد، دیگر نمی‌توان چشم بر این حقیقت بست. مصرف غیرمجاز، یعنی سهم مردم قانون‌مدار کاهش یابد، یعنی خانوارهای منضبط که قبوض خود را پرداخت می‌کنند، قربانی خاموشی‌هایی شوند که به‌واسطه تخلف دیگران رقم خورده‌اند. این بی‌عدالتی اگر ادامه پیدا نکند، نه تنها ساختار اقتصادی صنعت برق را متزلزل خواهد کرد، بلکه فرهنگ عمومی احترام به قانون را نیز تخریب می‌کند.

■ **برخورد یا راه‌حل؟**

دولت، وزارت نیرو و نهادهای نظارتی اکنون در یک دوراهی جدی قرار دارند: برخورد قاطع یا تسهیل مسیر قانونی؟ راهکار مؤثر ترکیبی از این دو است؛ برای دزدی سازمان‌یافته، هیچ ممانعتی نباید در کار باشد، اما در کنار آن برای مناطق محروم باید راهکار انسانی تعریف شود. اتصال قانونی یا تعرفه اجتماعی، آموزش عمومی در باره مخاطرات انشعاب غیرمجاز و حمایت از مناطق بدون زیرساخت، بخشی از این مسیر می‌تواند باشد.

■ **جمع‌بندی**

اگر چه پدیده برق‌دزدی سال‌هاست وجود دارد، اما امروز که منابع آبی کشور کاهش یافته، بار شبکه در حال افزایش است و توان نیروگاه‌ها محدود شده، دیگر فرصتی برای بی‌توجهی باقی نمانده است. اکنون نه تنها برق می‌زدند، بلکه آینده‌پایداری انرژی کشور را نیز تهدید می‌کنند.

شبکه توزیع سوخت چرا زیر ذره‌بین نیست؟

قاچاق سوخت در قلب شبکه رسمی

۹۰ درصد قاچاق سوخت در حلقه مصرف انجام می‌شود و این نشانه‌ای از گسست عمیق در سامانه‌های کنترل و نظارت است



قاچاق، فقط یک انحراف اقتصادی نیست. این پدیده، همان سامانه به جای سدی در برابر قاچاق، تبدیل به ابزاری برای تسهیل آن شده است؛ کارشناسان می‌گویند مشکل، نه در اصل کارت سوخت، بلکه در فقدان اعتبارسنجی دقیق اطلاعات و نبود اتصال بین‌دستگاهی است. سامانه سوخت به تنهایی نمی‌تواند مصرف واقعی را تشخیص دهد. برای مثال، اگر یک کامیون در سامانه ثبت شده باشد، اما وجود خارجی نداشته باشد یا حرکت نکند، باز هم می‌تواند روزهانه

سهمیه بگیرد. اتصال سامانه‌های وزارت راه، پلیس راهور، راهداری، و سازمان حمل‌ونقل با سامانه سوخت، یک ضرورت حیاتی است که سال‌ها وعده آن داده شده، اما هنوز اجرایی نشده است.

مصرف کنترل شد و قاچاق کاهش یافت، اما امروز، شبکه حمل‌ونقل رسمی کشور را نیز مختل کرده است. بسیاری از رانندگان واقعی، به دلیل ناعادلانه بودن توزیع سهمیه، به سختی به سوخت می‌رسند، در حالی که ناوگان غیرواقعی روزهانه هزاران لیتر سوخت دریافت می‌کنند.

■ **دستگاه‌های نظارتی کجا هستند؟**

سؤال اساسی‌تر آن است که چرا نهادهای نظارتی، مانند دیوان محاسبات، سازمان بازرسی کل کشور و حتی ستاد مبارزه با قاچاق کالا، بر خورد قاطعی با این ساختار نمی‌کنند؟ مگر نه اینکه در بسیاری از موارد، اسناد قاچاقی از دل سامانه‌های دولتی بیرون آمده‌اند؟ مشکل فقط در راننده قاچاقچی نیست، بلکه

■ **آماری که رنگ خطر است، نه راهکار**
به گفته مدیرعامل شرکت پالایش و پخش ۹۰ درصد قاچاق در حلقه مصرف رخ می‌دهد؛ از طرفی در شهری با ۲ هزار نفر جمعیت، هزار کارت گازوئیل صادر شده است. این آمار، فقط یک مثال از دهها مورد مشابه است. این یعنی یک کارت برای هر مرد، زن و کودک! وقتی چنین مجوزهایی صادر می‌شود، آ‌ها هنوز می‌توان از ضعف مردم با قاچاقچیان سخن گفت یا باید به سراغ درص حلقه مصرف سرايت کرد؛ ديگر کليات نمي‌کند.
مجر يان رفت؟ نکته قابل تأمل اينجاست که اغلب اين مجوزها بر بستر سامانه‌هاى وزارت نفت صادر شده‌اند و اگر خللى در داده‌کاوِى، پالايش اطلاعات و راستى آزمايى وجود دارد، اين خطا سيستماتيک است.

■ **شرکت پالایش و پخش؛ سکوت در برابر فاجعه**

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی، بارها آمارهایی از میزان توزیع روزهانه و ذخیره‌سازی سوخت منتشر کرده، اما تاکنون پاسخ روشنی درباره «پاسخگویی عملکردی» به قاچاق نداده است. در تازه‌ترین واکنش، تنها به این جمله اکتفا شده که «برخی ناوگان انحراف مصرف دارند و در حال بررسی موضوع هستیم» اما این پاسخ، زمانی که قاچاق به ۹۰ درصد لیتسر سوخت هوشمند، امکان رهگیری دقیق جدی مطرح است؛ اگر همه‌چیز اینقدر شفاف و تحت کنترل است، چرا هنوز سالانه میلیاردها لیتر سوخت در شبکه رسمی «مفقود» می‌شود؟ کارشناسان معتقدند بخش مهمی از مشکل به نقطه‌ای برمی‌گردد که سوخت از شبکه رسمی به مصرف‌کننده نهایی تحویل می‌شود. در همین نقطه است که «ناوگان صوری»، «کارت‌های اجاره‌ای»، «مجوزهای صوری در روستاهای متروکه» و انواع تخلفات ساختارمند بروز می‌کند.

«علیرضا قربانی» در استادیوم آزادی می‌خواند

علیرضا قربانیی تـور کنسـرت «ایرانـم» را بـا اجـرای قطـعات جدـید، خـودا ده سالـ جـاری از تـهران آغـاز می‌کنـد. به گـزارش جـوان، تـور کنسـرت جـدید علـیرضـا قـربانی خـودا ده ۱۴۰۴ در فـضای باز غـربی اسـتادیوم آزادی بـرگـزار می‌شود و پـس از آن در شـهرهای شـیراز، بـرد، کرمان، اصفهان، اهواز، تبریز و نیشابور ادامـه پـیدا خواهـد کـرد. اشـعار تـور کنسـرت «ایرانـم» که با مـدیریت هنـری حـسام ناصـری اجـرا می‌شود از مـولانا، امیرخـسرو دهلوی، واقـف لاهـوری، هوشنگ ابتهاج، احمد شـاملو، غلامـرضا طریقی، حـسین غیاثی، احمد امیرخـلیلی و حمید خـلف‌بـیگی است. حـسام ناصـری، علـیرضا افکاری و مـهیـار علـیزاده اهنگسازان قطعات این تـور کنسـرت هسـتند.

حسن پورشیرازی «بوقچی» شد

سریال «بوقچی» به کارگردانی حسن حبیبزاده و تهیه‌کنندگی محمدجواد موحذب‌یزودی از شبیکه ۳ روی آنتن می‌رود. به گزارش جوان از روابط عمومی سریال، حسن پورشیرازی بازیگر سریال «بوقچی» شد. این مجموعه نمایشی به کارگردانی حسن حبیبزاده و تهیه‌کنندگی محمدجواد موحذب‌یزودی از شبیکه ۳ سیما پخش خواهد شد. حسن پورشیرازی در این سریال نقش بهرام بوقچی را ایفا می‌کند. در خلاصه داستان این سریال آمده است: «بوقچی شده مربی...». «بوقچی» چهارمین اثر از مرکز سریال سوره است که در باشگاه فیلم سوره تولید شده و محصول سیمافilm است.

انتشار رمانی از برگزیده جایزه جلال پسی از ۹ سال

بنابر گفته نویسنده کتاب «افسانه شهر سنگی» داستان این کتاب روایت چهار نفر از بچه‌های جنگ است که قید زندگی شهری را می‌زنند و در کویر زندگی عارفانه‌ای را شروع می‌کنند ولی دچار چالش‌های مختلفی می‌شوند. وقعه طولانی به تازگی منتشر شده است گفت: «افسانه شهر سنگی» کتاب جدید من است که در انتشارات روزگار منتشر شده است.انتظار دارم این کتاب هم خوانده و دیده شود. داستان افسانه شهر سنگی را خیلی دوست دارم. افهمی درباره افسانه شهر سنگی گفت: من این کتاب را سال ۹۵ نوشتم ولی اسمال چاپ شده است.داستان این کتاب روایت چهار تا از بچه‌های جنگ است که قید زندگی شهری را می‌زنند و در کویر زندگی عارفانه‌ای را شروع می‌کنند ولی دچار چالش‌هایی می‌شوند که داستان را به جای دیگری می‌برد. برای آماده‌ایی که می‌خوانده‌بدون گناه:زندگی کنند شهری می‌سازند ولی در این مسیر ساختن این شهر و رسیدن به اهدافشان با چالش‌های مختلفی روبه‌رو می‌شوند. خیلی هم فشنگ است و می‌دانم هر کس آن را بخواند خوشش می‌آید. افهمی در پایان درباره سوره‌ای کتاب گفت: سال ۹۵ که این کتاب را نوشتم، احساس کردم یک موجی با موضوع این کتاب شروع شده بود. خیلی از بچه‌های جنگ سرخورده شده بودند و به گوشه عزلت پناه برده بودند. من همین ایده را گرفتم و اسم آن را افسانه شهر سنگی گذاشتم، و این شهر را ساختم.



«رویاشهر» پر فروش‌ترین فیلم غیر کمدی سینماها

اینیمیشن «رویاشهر» پس از فیلم‌های کمدی گیشه‌فنگی سینماها، توانست عنوان پر فروش‌ترین فیلم غیر کمدی را کسب کند. به گزارش جوان از روابط عمومی پروژه، اینیمیشن سینمایی «رویاشهر» به کارگردانی حسنز عیانیتی و تهیه‌کنندگی مصطفی حسن آبادی با قصه‌ای فانتزی و ماجراجویانه که از سوم اردیبهشت‌اکران عمومی خود را در سینماهای سراسر کشور آغاز کرده است، در هفته اخیر نمایش عمومی خود یعنی در بازه زمانی ۱۷ تا ۲۴ اردیبهشت توانست عنوان پر فروش‌ترین فیلم غیر کمدی را از آن خود کند. بدین ترتیب این اثر در این بازه زمانی پس از سه فیلم کمدی «صددام»، «خانه ارواح» و «دایناسور» با جذب بیش از ۳۴ هزار مخاطب و فروش ۷میلیارد و نیمه، توانست به رتبه نخست در گیشه‌های سینماها برسد. جدیدترین تیزر «رویاشهر» که ساخت آن برعهده علی نوروزیان بوده است، ونمایش اینیمیشن سینمایی «رویاشهر» تاکنون جمعا موفق به جذب ۱۰۵ هزار مخاطب و فروشی نزدیک به ۷میلیارد تومان شده است و اکران آن در سینماها ادامه دارد.

دریوداد



روزنامه‌سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آورآن نشر روز مدیر مسئول: محمدجواد اخوان سردبیر: غلامرضا صادقیان آدرس: تهران، خیابان بیهقی کوچه شهید اکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲ سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸ روابط عمومی: ۸۸۵۳۳۰۶۰-۸۸۴۹۸۴۶۶ تویج: مؤسسه نشر گستر امروز نوین ۰۹۴۲۰۸۸۷۳ چاپ: همشهری Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۷۲۵ | پنج‌شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ | ۱۷ ذی‌القعدة ۱۴۴۶ | اذان ظهر: ۱۲:۰۱ | غروب آفتاب: ۱۹:۰۳ | اذان مغرب: ۱۹:۲۳ | نیمه‌شب: ۲۴:۱۲ | ۲۴:۱۲ صبح فردا: ۰۲:۲۰ | طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۵۸ |

با یاد فاطمه حسونه خبرنگار شهید فلسطینی و اقدام سینماگران سرشناس جهان

حمله کن به ترامپ فریبکار و نتانیاهوی جنایتکار



مرتضی فاطمی‌نیا

ساعاتی پس از انتشار نامه سرگشاده ۳۵۰هزنمند و فعال سینمایی هالیوودی و درخواست از جامعه جهانی برای موضع‌گیری و محکومیت «نسل‌کشی در غزه» برخی از سینماگران سرشناس جهان نیز در مراسم افتتاحیه هفتاد و هشتمین جشنواره فیلم کن با طرح انتقاداتی از اقدامات فاشیستی رئیس‌جمهور امریکا در چند ماه اخیر، ابراز ناراحتی کردند. ژولیت بینوش، رئیس هیئت داوران جشنواره کن در بخشی از این مراسم ضمن ابراز ناراحتی از جنگ، فلاکت‌وزن‌ستیزی بدوی یا خواندن شعری از فاطمه حسونه خبرنگار فلسطینی خواستار پایان دادن به رنج مردم شد. بینوش طی چند روز اخیر به خاطر خودداری از امضا کردن نامه اعتراضی به کشته‌شدن فاطمه

حسونه مورد انتقادات زیادی قرار گرفته بود. افتتاحیه جشنواره فیلم کن با سیل انتقادات برخی سینماگران مشهور جهان به عرصه‌ای برای انتقاد از اقدامات ضد بشری دولت و رئیس‌جمهور ایالات متحده و کشتار بیرحمانه زنان و کودکان فلسطینی از سوی رژیم صهیونیستی تبدیل شد. این اتفاق در حالی رخ داد که ساعاتی پیش از شروع رسمی افتتاحیه جشنواره فیلم کن در کشور فرانسه بیش از ۲۵۰ هنرمند و فعال سینمایی، از جمله چهارهایی چون «رچارد گی‌ری»، «سوزان ساراندون»، «پدرو آلمودوار» و «مارک رافالو»، با انتشار نامه‌ای سرگشاده، نسل‌کشی مردم مظلوم غزه از سوی رژیم‌کودک کش و فاشیستی صهیونیستی را محکوم کرده و خواستار موضع‌گیری جامعه جهانی شدند.

افتتاحیه ضد صهیونیستی جشنواره کن انتشار این نامه سرگشاده و اعتراضات هنرمندان مشهور جهان که در این رویداد حاضر هستند از برگزاری مراسم افتتاحیه متفاوت و پر تنش علیه رژیم صهیونیستی و دولت‌مردان امریکایی به خاطر حمایت صدروصدی از نسل‌کشی مردم فلسطین خبر می‌داد. اظهارات صریح رابرت دنیرو، بازیگر مشهور و سرشناس هالیوود که سابقه دفاع از مردم فلسطین و انتقادات تندیه علیه سابقه دفاع از در کارنامه‌اش دارد، برای دریافت جایزه نخل طلای افتخاری جشنواره کن سرآغاز شروع سیل انتقادات و تبدیل افتتاحیه به صحنه دادگاهی

پیامبر اعظم(ص):

خوشا بر آن کس که با مردم نیک‌خوبی کند و به آنان مدد رساند و گزندش را از آنان بگرداند!

گزیده تحفه‌العقول



کتاب



داوود مرادیان، نویسنده کتاب‌های سینمایی در گفت‌وگو با «جوان»:

کتاب «آن سوی لنز» می‌تواند نقطه شروع خوبی برای کسانی باشد که به زبان تصویر علاقه دارند

دارد، یکی «مبانی سواد بصری» که بسیار آکادمیک و پیچیده است و خواندن آن بدون راهنمایی استاد دشوار است، و دیگری «سواد بصری سینمایی» که رویکردی نسبتاً کاربردی‌تر دارد. ولی نمونه‌های عملی کمی در آن دیده می‌شود. کتاب «آن‌سوی لنز» سعی کرده تلفیقی از این دو باشد با ساختاری روان، همراه با مثال‌های عینی از فیلم‌سازی و آموزش مستقیم. علاوه بر این، تجربه رزسته من در تدریس و ساخت فیلم، به کتاب شخصیتی زنده و ملموس بخشیده است. این اثر صرفاً یک کتاب درسی نیست، بلکه گفت‌وگویی صمیمی با خواننده درباره مفاهیم بنیادین تصویر است.

آیا تر تیب خاصی برای مطالعه این سه کتاب وجود دارد؟

بله، قطعاً. پیشنهاد من این است که ابتدا «آن‌سوی لنز» مطالعه شود، چرا که این کتاب به مفاهیم مقدماتی می‌پردازد و سنگ‌بنای سواد بصری را می‌گذارد. اگر دانش‌اند این کتاب را خوب درک کند، دیگر نیازی فوری به خواندن «لنزبازی» ندارد. کتاب بعدی، «دوربین‌بازی»، بیشتر به تکنیک‌های پیشرفته‌تر مانند حرکت دوربین و تأثیر ترکیب نور و رنگ در احساس‌برانگیزی داستان می‌پردازد. در واقع، ترتیب پیشنهادی من این است: اول «آن‌سوی لنز»، بعد «دوربین‌بازی»، و در نهایت «لنزبازی» برای آشنایی فنی با ابزارها.

از تجربه تدریس به نوشتن کتاب رسید بد. این مسیر چگونه آغاز شد؟

در حقیقت، هوجت برنام‌ای برای نویسنده شدن نداشتم. موضوع کتاب «لنزبازی» در ابتدا با پایان‌نامه‌ام در مقطع کارشناسی ارشد بود. اما وقتی دیدم که مطالب آن می‌تواند برای دیگران هم مفید باشد، تصمیم گرفتم آن را به صورت کتاب درآورم. در این مسیر، همسر م مشوق اصلی من بود و همیشه به من انگیزه می‌داد. یکی از نقاط عطف در این مسیر، ارتباط کوتاه ولی مهمی بود که با مرحوم نادر طالب‌زاده داشتم. وقتی قابل اوطاف مطلب را برایشان فرستادم، در عرض ۱۰ دقیقه آن را مرور کردند و چند لینک بسیار مهم برایم ارسال کردند که تأثیر زیادی در غنای محتوای کتاب گذاشت.

چه بازخوردی از مخاطبان گرفتید و درباره طراحی و انتشار کتاب چه نظری دارید؟

هنوز زمان زیادی از انتشار کتاب نگذشته، اما خوشبختانه در همین مدت کوتاه، بازخورهای مثبتی از دانشجویان سینما، علاقه‌مندان به فیلم‌سازی و حتی برخی مدرسان دریافت کرده‌ام. درباره طراحی هنوز نظری ندارم چون نسخه نهایی تازه به دستم رسیده. اما امیدوارم این اثر بتواند جایگاه خودش را به عنوان یک منبع آموزشی جدی و کارآمد در دانشگاه‌ها و کلاس‌های آزاد سینما پیدا کند.

در پایان اگر موردی مدنظر تان هست برامیان بگویند.

فکرمی‌کنم این کتاب می‌تواند نقطه شروع خوبی برای کسانی باشد که به زبان تصویر علاقه دارند اما نمی‌دانند از کجا شروع کنند. بسیاری از مفاهیم سواد بصری در دوره‌های رسمی تدریس نشده یا به‌درستی منتقل نمی‌شوند. خود من هم زمانی در همین مسیر بودم. هدفم این بود که یک راهنمای ساده، دقیق و کاربردی تهیه کنم تا کسانی که به تازگی وارد عرصه فیلم‌سازی می‌شوند، بتوانند با شناخت درست تصویر، حتی با دوربین موبایل هم داستانی مؤثر و قابل‌قبول خلق کنند. امیدوارم «آن‌سوی لنز» بتواند قدمی باشد برای آگاهی‌بخشی به نسلی که قرار است سینمای فردای ایران را بسازد.

احمد جوان

داوود مرادیان پس از دو کتاب تأثیرگذار در زمینه شناخت ابزارهای سینمایی، حالا با سومین اثر خود با عنوان «آن‌سوی لنز» به میدان آمده است. پس از کتاب‌های «لنزبازی» و «دوربین‌بازی» که هر دو بر جنبه‌های فنی لنز و دوربین در سینما و عکاسی تمرکز داشتند، مرادیان در کتاب تازه‌اش تلاش کرده تا نگاه سینماگر را به سطحی بنیادی‌تر و در عین حال کاربردی‌تر از سواد بصری ارتقا دهد. کتاب «لنزبازی» در زمان خود توانست نقش مهمی در ارتقای دانش فنی علاقه‌مندان به عکاسی و سینما ایفا کند. این کتاب با تحلیل‌های فنی از ساختار لنزها، از اصول اولیه تا کاربردهای پیچیده‌ای چون آنامورفیک و دکوپاژ، برای نخستین‌بار مباحث لنزشناسی را به شکلی بومی و قابل فهم در اختیار مخاطبان ایرانی قرار داد. سپس در «دوربین‌بازی»، مرادیان کوشید مفاهیم مربوط به حرکت دوربین، ترکیب‌نور و رنگ، و تأثیرات احساسی قاب‌بندی را با ارجاع به آثار معروفی مانند هتل بزرگ بودا پیست، جوکر، سریال آقای ربات و هشت نفرت‌انگیز بررسی کند. اکنون، در سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، انتشارات ساقی کتاب «آن‌سوی لنز» را به نمایش گذاشته است؛ اثری تازه از مرادیان که هدف آن آموزش سوادبصری سینمایی برای کارگردانان جوان و تازه‌کار است. درباره این کتاب، روند شکل‌گیری‌اش و ضرورت نگارش آن با داوود مرادیان گفت‌وگویی انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید.

در شروع درباره‌انگیزه نگارش این کتاب توضیح دهید.

کتاب «آن‌سوی لنز» سومین تجربه من در زمینه تألیف آثار مرتبط با سینماست. بر خلاف دو کتاب قبلی که بیشتر به ابزارهای فنی می‌پرداختند، در این کتاب تلاش کردم به زبانی ساده و ملموس، مفاهیم پایه‌ای و ضروری سواد بصری را برای علاقه‌مندان به سینما، به‌ویژه کارگردانان تازه‌کار، شرح دهم. همان‌طور که برای یادگیری موسیقی شناخت نت‌ها ضروری است، برای درک زبان تصویر هم باید مفاهیمی مثل نور، رنگ، بافت، کنتراست و ترکیب‌بندی را شناخت. این اثر تلاش می‌کند نحوه ساخت جملات بصری را توضیح دهد، جملاتی که در نهایت می‌توانند به روایت داستانی مؤثر در سینما منجر شوند.

کتاب در چه زمانی نوشته شد و چه ویژگی‌هایی آن را از سایر منابع متمایز می‌کند؟

فرایند نگارش کتاب در حدود سه‌هونیم تا چهار ماه به طول انجامید. این مباحث ابتدا در قالب درسی در دانشگاه مطرح می‌شدند. من به‌عنوان مدرس، بارها شاهد بودم که دانشجویان برای درک اصول بصری با منابع پیچیده و ناملموس دست‌وپنجه نرم می‌کنند. پس تصمیم گرفتم محتوای تدریس را به‌صورت کتابی مستقل آماده کنم. این کتاب تنها برای تدریس در دانشگاه‌ها مناسب است، بلکه به دلیل مثال‌های کاربردی بر گرفته از تجربیات شخصی‌ام در فیلم‌سازی، برای مطالعه فردی هم مفید است. بر خلاف بسیاری از منابع تر جمه‌شده که با مثال‌های غیر ملموس خارجی همراه هستند، این اثر سعی کرده با زبان بومی و مثال‌های ساده و قابل‌درک، مفاهیم را منتقل کند.

کتاب‌های دیگر در این حوزه وجود دارد؟

در حال حاضر دو کتاب شاخص در حوزه سواد بصری وجود

صالحی در آیین روز پاسداشت زبان فارسی و بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی:

زبان فارسی از هویت ایرانی اسلامی تفکیک‌ناپذیر است



فارسی در هویت ایرانی رکن اصلی است، در کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران»، نقل قولی از شهید مطهری آمده است، مبنی بر اینکه در برخی فرهنگ‌ها، زبان بیشتر از دین یا جامعه در ادامه دادن یا بر جای ماندن آن فرهنگ نقش دارد، اهمیت این اصل قابل تأمل است که ما به این نگاه بیشتر توجه کنیم که زبان فارسی اصلی‌ترین رکن هویت ایرانی است. وی گفت: مؤلفه‌های هویت ایرانی در معرض تحولات تاریخی قرار گرفتند، تحولات زبان فارسی میانی نسبت به فارسی باستان خیلی گسترده‌تر و تحولات فارسی نوین پس از اسلام نسبت به فارسی میانی بسیار کمتر است اما این دوره‌های تاریخی قابل توجه شد.